تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است

استفتائات پزشكى

نویسنده: مطابق با فتواى آيت الله لطف الله صافى گلپايگانى

.

# مسائل مربوط به تشخيص و درمان

س ١ - اگر تشخيص بيمارى به درستى صورت گيرد ولى داروى مؤثر در دسترس نباشد ويا بسيار گران باشد و بيمار قادر به تهيه آن نباشد ، آيا پزشك معالج ملزم به تهيه آن دارو به هر طريق ممكن براى بيمار مى باشد ؟

ج ١ - اگر جان بيمار در معرض تلف باشد بر هر كس متمكّن باشد بطور واجب كفائى تهيّه دارو براى او واجب است . والله العالم

س ٢ - اگر پزشك بنا به اصرار بيمار ، دارويى تجويز نمايد و يا ساير اقدامات درمانى كه مضر است انجام دهد ، در صورت ايجاد عارضه ، مسئول كيست ؟

ج ٢ - با علم باينكه مضرّ است و مفيد فائده اهمى نيست جائز نمى باشد . والله العالم

س ٣ - با توجه به اينكه ممكن است جان بيمار به طور اورژانس (فورى) در خطر باشد و زمانى جهت تعيين حساسيت فرد به دارويى خاص وجود نداشته باشد ، اگر با تجويز دارو ، بيمار به آن حساسيت پيدا كرده دچار عوارض شديد و يا مرگ شود ، آيا پزشك معالج در قبال اين عوارض مسئوليتى خواهد داشت ؟

ج ٣ - اگر جان بيمار در معرض خطر و دادن دارو هر چند موجب عوارض شديد است لكن موجب نجات جان بيمار باشد تجويز دارو جايز است و عرفاً معالجه بيمار شمرده مى شود ، ولى اگر در تجويز دارو نيز احتمال خطر جانى وجود دارد در صورتى كه احتمال آن عقلائى و مورد اعتناء و بهبود بيمار بدون آن دارو محتمل باشد تجويز دارو جائز نيست ولى اگر خطر جانى براى بيمار در صورت ترك تجويز دارو قطعى و فورى و خطر ناشى از تجويز دارو مثل مفيد واقع شدن آن محتمل است در اين صورت خوردن دارو به قصد معالجه عقلائى جائز است ولى پزشك بايد به بيمار يا اولياى آنها بگويد . والله العالم

س ٤ - اگر با توجه به علوم امروزى ، امكان تعيين حساسيت يك دارو وجود نداشته باشد ، آيا پزشك ، در صورت ايجاد عارضه مسئول است ؟

ج ٤ - اگر مرض خطر جانى نداشته باشد و تجويز دارو احتمالاً خطر جانى داشته باشد تجويز آن جائز نيست و اگر پزشك به بيمار جريان را بگويد و بيمار خودش از داروها در اين صورت استفاده كند پزشك مسئول نيست هر چند خود بيمار مسئول است و اگر بيمارى خطر جانى يقينى فورى داشته باشد و خطر آن در دارو احتمالى باشد با وجود اينكه احتمال تأثير دارو در علاج معتنى به باشد و دارو منحصر به آن باشد ظاهراً عقلا اقدام ميكنند و از مصاديق القاء در تهلكه شمرده نمي شود ولى پزشك بايد به بيمار بگويد كه خودش اقدام كند . والله العالم

همچنين خواهشمند است بفرماييد :

س ٥ - بطور كلى - با توجه به علوم امروزى - اگر بدانيم يا احتمال بدهيم كه نجات جان بيمار وابسته به مصرف داروهاى خاصى مى باشد كه مضرّند - و اين مضرّات به احتمال قوى براى همگان رخ خواهد داد - و با تجويز پزشك ، شخص دچار يك يا چند مورد از اين عوارض شود ، آيا پزشك مسئول است ؟ ١

ج ٥ - اگر بيمار هم آگاه از اين جريان و راضى به اقدام باشد و در معالجه بيمار الاهم فالاهمّ و دفع افسد به فاسد رعايت شود ظاهراً اشكالى نيست . والله العالم

س ٦ - اگر پزشك به خاطر فراموشى انواع وعلائم بيمارى ها - به خاطر گستردگى موضوع ، بيمارى شخص را تشخيص ندهد ولذا نداند داروى مناسب چيست ودر نتيجه اصلاً دارويى تجويز نكند در صورتى كه بيمارى تشديد ويامنجر به مرگ گردد ، اين پزشك در چه حدى مسئول است ؟ (درصورتى كه امكان از ارجاع به متخصص ديگرى هم نباشد) .

ج ٦ - در فرض سئوال كه پزشك بيمارى را تشخيص نمى دهد تكليفى نسبت به تجويز دارو ندارد هر چند منجر بمرگ بيمار گردد بلى چنانچه احتمال تأثير داروئى را بدهد ويقين بعدم ضرر آن داشته باشد اقدام لازم است . والله العالم

س ٧ - اگر فرصت و امكان آزمايش ، وجود داشته باشد اما به دلايل ديگرى همانند : هزينه اى كه به بيمار تحميل مى شود (و احياناً وى حاضر نيست) امكاناتى كه براى ما وجود ندارد و يا وقتى كه از بيمار مى گيرد ، آزمايشات لازم صورت نگيرد و شخص دچار عارضه نيز بگردد ، در اين صورت آيا پزشك مسئول است ؟

ج ٧ - با وجود فرصت و امكان آزمايش لازم بدون آن اقدام به معالجه و نوشتن نسخه جايز نيست . والله العالم

س ٨ - اگر داروئى يا داروهائى ، نه براى نجات جان بيمار بلكه جهت تسكين و مداواى درد كه باعث آزار بيمار مى شوند همانند تب ، خارش ، درد ، زخم و مصرف شوند و بدانيم يا احتمال دهيم كه اين داروها مؤثّرند و با توجه به اينكه اكثر داروهاى مؤثّر ، در كوتاه يا دراز مدت داراى عوارض زيادى مى باشند ، در صورت تجويز پزشك و ايجاد عارضه كه گاهى بدتر از بيمارى اوليه مى باشد ، آيا پزشك مسئوليتى به عهده خواهد داشت ؟ (لازم به ذكر است شايع ترين و بيشترين تجويز دارو در چنين مواردى صورت مى گيرد و لذا اهميّت فراوانى دارد) .٢

ج ٨ - اگر معالجه بر آن صدق كند و ضرر أهم و بيشتر به ضرر مهم و كمتر دفع شود جائز است ولى بايد بيمار از اين وضعيت يا سابقه قبلى داشته باشد يا به او اعلام شود و اگر درمان بوسيله خود پزشك انجام ميگيرد بايد از بيمار نسبت به عوارض احتمالى يا يقينى برائت بگيرد . والله العالم

س ٩ - در صورتى كه داروهاى كاملاً مؤثر به هر علتى در دسترس نباشند ، آيا پزشك مى تواند داروهايى را كه احتمال مى دهد مؤثر باشند تجويز كند ؟ در صورت عدم موفقيت ، آيا پزشك در قبال عوارض احتمالى اين داروها و يا هزينه بيهوده اى كه بر بيمار تحميل شده مسئول و مديون است ؟

ج ٩ - با اعلام به بيمار پزشك مسئوليتى ندارد . والله العالم

س ١٠ - با توجه به گستردگى بسيار زياد علوم پزشكى كه واقعاً امكان فراگيرى و همراه با آن به خاطر سپردن تمامى بيماريها و تمامى داروهايى كه بر همه بيماريها مؤثرند و نيز عوارض آنها ، وجود ندارد ، اگر پزشك به خاطر فراموشى ، بنا به حدس خود ، چه در موارد اورژانس ، جهت نجات جان و يا تسكين آلام بيمار ، سهواً اقدام به تجويز دارويى غير مؤثر بر بيمارى كند كه بيمار را متحمّل هزينه بيهوده و يا عوارض جانبى كند ، در اين صورت آيا پزشك مسئول و مديون است ؟ (در صورتى كه امكان ارجاع به متخصص ديگرى هم نباشد) .

ج ١٠ - در اين صورت پزشك مسؤول است مگر اينكه قبلاً از بيمار نسبت به عـوارض غيـر مستنـد به تقصيـر برائـت گرفتـه باشـد ولى با احتمال تأثير دارو اگر احتمال خطر جانى در استفاده از آن نيست در صورتى كه به پزشك ديگرهم دسترسى نداشته باشد تجويز دارو و نيز عمل به دستور پزشك لازم است . والله العالم

س ١١ - اگر بدانيم يا احتمال بدهيم يك بيمار در اثر بيمارى مثل برخى سرطانها به زودى خواهد مُرد ، آيا مجازيم فقط براى افزايش طول عمر وى هر چند به مدت كوتاه روشهاى درمانى خطرناك و بسيار پر عارضه مثل شيمى درمانى كه گاهى عوارض آن شديدتر از بيمارى اوليه است را براى وى تجويز كنيم ؟

ج ١١ - اگر با وجود عوارض شديدتر موجب نجات او از مرگ سريعتر مي شود معالجه لازم است و ظاهراً معالجه عرفى او همين روش است . والله العالم

س ١٢ - اگر به خاطر كمبود امكانات تشخيصى كافى ، تشخيص ممكن نگردد و مداواى لازم صورت نگيرد وبيمارى تشديد يا منجر به مرگ شود ، آيا پزشك معالج مسئول است؟

ج ١٢ - با فرض اينكه پزشك عاجز از تشخيص مرض و علاج لازم است مانند ديگران مسئوليتى ندارد بلى اگر احتمال ميدهد درمانى مفيد باشد و يقين به عدم ضرر آن داشته باشد جائز است و در اين صورت صورت بخود بيمار اعلام كند كه مغرور نشود . والله العالم

س ١٣ - گاهى اوقات مثل برخى عفونت هاى نه چندان مهم پزشك جهت تسريع بهبودى بيمارى يا اطمينان از اين كه داروى تجويزى وى بسيار قوى است و در مورد خيلى از عفونت ها مى تواند مؤثر باشد و يا به خاطر اين كه از هزينه درمان بيمار و مراجعات مكرر وى بكاهد ، اقدام به تجويز داروهايى مى كند كه ضررهاى آنها كاملاً شديد بوده و به اثبات رسيده است و اين در حالى است كه شايد بتوان از طريق داروهاى ديگرى كه ضرر بسيار كمترى دارند ولى ممكن است با عدم اطمينان كامل و هزينه زيادتر همراه باشند بيمار را معالجه نمود ، با چنين فرضى ، بهترين كار چيست؟ انتخاب راه سريع و پر خطر يا راه كم خطر و احيانًا نامؤثر .

ج ١٣ - در فرض سئوال جهت انتخاب يكى از دو راه ، بايد با خود بيمار مشورت نمايد و طبق نظر بيمار ، عمل نمايد و همانطور كه مكررّ بيان شد در هر كجا كه بايد شخصاً اقدام كند از بيمار برائت از مسئوليت بگيرد . والله العالم

س ١٤ - در برخى بيمارى ها همانند فشارخون بالا ، به علت عوامل ناشناخته ايجاد كننده آن ، طبق روش معمول كه اجراى آن طبق علوم روز ضرورى است ، يك يا چند دارو بكار برده مى شود و در صورت عدم تأثير ، داروهاى ديگرى بكار برده مى شود ، الى آخر .

باتوجه به اينكه اين داروها از يك طرف در افراد مختلف همگى مؤثر نيستند و ممكن است در شخصى ، درمانهاى اوليه و در شخص ديگرى درمانهاى آخر مؤثر باشند و از طرف ديگر ، هريك از داروها داراى عوارض خاصى هستند ، آيا پزشك معالج كه در حقيقت داروهاى مختلف را به ترتيب در مورد بيمار آزمايش مى كند در قبال هزينه اضافه يا عوارض داروها مسئول است ؟

ج ١٤ - اگر معالجه به غير اينصورت امكان پذير نيست و علاج علمى و عرفى آن همين روش است پزشك مسئول نيست بشرط اينكه چگونگى را به خود بيمار اعلام كند تا خود او باعلم و اطّلاع از داروى تجويز شده استفاده كند . والله العالم

س ١٥ - اگر پزشك دارو يا روش تشخيصى را كه در حال حاضر كاملاً غير مضر شناخته شده به خانم بار دارى توصيه كند ، اما بعداً مشخص گردد اين اعمال براى مادريا جنين كاملاً مضر بوده اند همانطور كه اين مورد در تاريخ پزشكى رخ داده است، آيا پزشك در قبال عوارض حاصله از اين موارد ، مسئوليتى بعهده خواهد داشت؟

ج ١٥ - مسئوليّت تكليفى ندارد و با اعلام نظر خود به بيمار وعدم مباشرت ، ضمانى هم بر عهده او نيست . والله العالم

س ١٦ - اگر پزشك با توجه به گستردگى موضوع نداند و يا فراموش كرده باشد كه دارو ويا روش تشخيصى وى براى خانم هاى باردار يا شيرده مضر است ، مسئوليت پزشك در صورت ايجاد عارضه در جنين يا مادر در چه حدّ است ؟

ج ١٦ - نسبت به عوارضى كه براى بيمار بدون تقصير پزشك پيش مى آيد گرفتن برائت از بيمار يا ولى او كافى است ولى نسبت به عوارضى كه ممكن است براى جنين پيش بيايد قبول ضمان آن از طرف ولى محلّ تأمل است . والله العالم

س ١٧ - به طور كلّى آيا جواب منفى خانم بيمار در مورد پرسش پزشك از حاملگى وى چه خود بداند باردار است و به هر علتى نگويد و چه نداند كه باردار است از پزشك معالج در قبال عوارض احتمالى ، رفع مسئوليت مى كند ؟

ج ١٧ - ظاهراً جواب منفى او كافيست اگر سؤال هم نكند و به بيمار اعلام كند كه دارو براى باردارى مضرّ است كافى است . والله العالم

س ١٨ - اگر پزشك از باردارى بيمار سئوال نكند و وى هم متذكر نشود ، مسئوليت عوارض احتمالى به عهده كيست ؟

ج ١٨ - اگر معمول است كه دكتر سؤال كند وغفلت كرده ظاهراً ديه بر عهده پزشك است . والله العالم

س ١٩ - گاهى اوقات مطمئن هستيم كه يك بيمارى ، بيمار را نهايتاً بزودى خواهد كُشت ، از طرفى مى دانيم كه با يك عمل درمانى مثل جراحى ممكن است يا بيمار بهبودى نسبى و احتمالى پيدا كند و يا حتى زودتر از موعد از دنيا برود ، وظيفه ما در چنين حالتى چيست ؟ اگر با اين كار به تسريع مرگ بيمار كمك كنيم ، آيا مديون نيستيم ؟ همچنين اگر اقدام به درمان نكنيم ، مسئول نيستيم ؟ با توجه به اينكه گاهى نتيجه كار كاملاً نامشخص است .

ج ١٩ - اگر احتمال خطر ان معتنى به نباشد و عرفاً روشى كه بكار گرفته مى شود معالجه شمرده شود و بيمار با سلب مسئوليّت از پزشك موافقت كند در صورت عمل جرّاحى و وقوع هر گونه عارضه پزشك مسئوليّتى نخواهد داشت و در صورتيكه بيمار با جرّاحى موافقت كرده است و برائت داده خوددارى از معالجه جائز نيست . والله العالم

س ٢٠ - گاهى اوقات ، پزشك تنها جهت احتياط ومطمئن شدن در جهت تشخيص و يا ردّ يك بيمارى احتمالى مثل سل در هر بيمار مشكوكى - باهر علامت غير اختصاصى - دستور راديو گرافى مى دهد ، تا يك بيمارى مخفى احتمالى را كشف كند ، در صورت وجود يا عدم وجود هر گونه بيمارى (كه احتياج به راديوگرافى دارد) ، آيا پزشك در ايجاد عوارض احتمالى وهزينه بيهوده درمان مسئول است ؟

ج ٢٠ - اگر روش درمان معالجه منحصر به اين كيفيت باشد باقيودى كه در جواب قبلى ذكر شد اشكالى ندارد . الله العالم

س ٢١ - با توجه به اينكه تشخيص بسيارى بيمارى ها يا اختلالات به وسيله آزمايش امكان پذير است واز طرفى امكان اشتباه در آزمايشگاه وتفسير آزمايش ها ، هميشه وجود دارد ، در صورت اشتباه آزمايشگاه ودر نتيجه معالجه اشتباه پزشك ، مسئول خسارات وعوارض احتمالى كيست ؟

ج ٢١ - اين مسئله دو فرض دارد يكى بر اساس اينكه آزمايشگاهها چنان كامل نيستند كه هميشه نتيجه واقعى را بدهند بلكه گاه در اثر بعض عوامل واختلالات غير قابل كنترل وبعبارة اخرى بجهت كامل نبودن اين صنعت نتيجه صحيح از آنها گرفته نمي شود در اين صورت چون در عرف پزشكى و معالجه برآن اعتماد مي شود وپزشك راه مطمئن تر در اختيار ندارد دادن نسخه به بيمار با اعلام اين روش درمانى خالى از اشكال است ولى اگر پزشك شخصاً درمان را انجام مي دهد از بيمار برائت از مسئوليت بگيرد وفرض دوّم بر اساس اشتباه مسؤول آزمايشگاه ياپزشك معالج است كه در اين فرض مسؤول آزمايشگاه اگر اشتباه مستند به اوباشد والاّ پزشك ضامن خواهد بود مگر اينكه از بيمار نسبت به عوارض غير مستند به مسامحه وتقصير برائت گرفته باشند . والله العالم

س ٢٢ - با توجه به اين كه باردارى ، در هفته هاى اول ، از روى ظواهر وگاه با روشهاى ساده چندان قابل تشخيص نيست و از طرفى بيشترين عوارض خطرناك روشهاى درمانى - تشخيص مضر ، در همين زمان آن هم به صورت اختلالات شديد در جنين رخ مى دهد وبدين ترتيب چون يا به خاطر كمبود امكانات ياعدم فرصت كافى يا عدم تمايل بيمار به صرف هزينه هاى تشخيص باردارى ، يا عدم اطلاع وى از باردارى خود ودر نتيجه جواب منفى دادن وى در مورد پرسش پزشك از باردارى وى وحتّى گاهى عدم امكان تشخيص به وسيله روش هاى مدرن به خاطر جواب هاى منفى كاذب آزمايشات ، پزشك نمى تواند تشخيص دهد ويا نمى داند كه بيمار بادار است ، روشهاى تشخيصى درمانى مختلف را براى وى به كار مى گيرد حال در صورت ايجاد عارضه در مادر يا جنين ، آيا پزشك معالج مسئول است ؟

ج ٢٢ - بايد پزشك در موارد احتمال باردارى احتياط كند و داروهاى مضر را تجويز نكند و يا اينكه بيمار را از عوارض سوء آن براى خودش يا جنين مطلّع سازد و در اين صورت وظيفه بيمار است كه با احتمال عقلائى باردارى رعايت احتياط نمايد و از آن دارو استفاده ننمايد و اگر استفاده كرد خودش ضامن ديه است . والله العالم

س ٢٣ - اگر پزشك روش يا دارويى را تعريف كند وبگويد اين دارو براى فلان بيمارى مفيد است ويا بگويد درمان ، مترتّب به فلان دارو است بدون آن كه بيمار را وادار به مصرف آن دارو كند ، در اين حالت آيا در صورت عدم تأثير يا عوارض دارو ، پزشك مسئول يامديون است؟

ج ٢٣ - پزشك در اين صورت مسئول ومديون نيست .والله العالم

س ٢٤ - در بسيارى بيمارى ها واختلالات جسمانى ، پزشك دستور انجام راديو گرافى ، سى تى اسكن و مى دهد كه مطمئنًا به خصوص براى برخى افراد مضر مى باشند ، ضمناً در خيلى از موارد ، گرچه گاهى ممكن است اين آزمايشات باعث تشخيص قطعى نشوند اما مى توانند هميشه كمك كننده باشند ، به هر حال در فرض فوق ، مسئوليت پزشك در صورت ايجاد عوارض آزمايشها تاچه حدّى است ؟

ج ٢٤ - در صورتيكه روش معالجه بيمارى به غير از اين طريق نباشد وبيمار هم آگاه از اين وضع باشد وخود را براى راديوگرافى وسى تى اسكن در اختيار پزشك قرار ميدهد ودر معالجه روش الاهم فالاهم ودفع افسد به فاسد ملاحظه ميشود اشكال ندارد . والله العالم

س ٢٥ - يك سؤال مهم و اساسى مطرح است كه :

بطور كلى ودرتمامى روش هاى تشخيصى ودرمانى ، اگر پزشك قبل از انجام هر عملى ، به بيمار خود ويا ولى او - اگر بيمار بالغ يا عاقل نباشد - متذكر شود كه اين روش ها از يك طرف ممكن است بى فايده باشند - و وقت و مال او را به هدر دهند - و از طرف ديگر ممكن است عوارض متفاوتى براى او داشته باشند ، و بدين ترتيب با ذكر اين مطلب پزشك ، قبل از هر گونه معاينه ودستور روش هاى تشخيصى و درمانى وتجويز دارو از خود كاملاً در قبال خسارات وعوارض احتمالى سلب مسئوليت كند وبيمار چه از روى ناچارى وچه از روى تمايل ويا به ظاهر از روى تمايل ، اين شرط را قبول نمايد ، آنگاه در صورت اشتباه

سهوى پزشك ، هزينه هاى بيهوده ، بى فايده بودن ويا عوارض ناشى از روش هاى تشخيصى و درمانى، آيا پزشك مسئول است ؟ در صورتى كه وى حداكثر تلاش خود را نيز بكند.

ج ٢٥ - اگر بى فائده شدن درمانها مستند به روش درمان معمول باشد وهمچنين عوارضى كه پيدا شده است مستند به آن باشد كه على الفرض پزشك احتمال آن را به بيمار تذكّر داده است پزشك مسئوليتى ندارد ولى اگر در اثر اشتباه پزشك عوارضى ناشى شده باشد پزشك طبق ضوابط شرعى مسئول است مثلا اگر نسخه را عوضى نوشته باشد مسئول خسارت بيمار است مگر آنكه پزشك قبلاً برائت خود را از عوارضى كه مستند به تقصير نيست گرفته باشد . والله العالم

س ٢٦ - در فرض مسأله فوق (٢٥) آيا بايد با تك تك بيماران شرط نمود و با امضاى پرسشنامه مربوطه و يا گذاشتن اطلاعيه در مراكز درمانى مبنى بر اين كه مراجعه بيماران نشانگر قبول اين شرايط است ويا به اطلاع رساندن حتى از طريق رسانه هاى گروهى كه - مراجعه شما نزد پزشك به اين شرايط ، مترتّب است ، از پزشك رفع مسئوليت شرعى مى نمايد ؟ به طور مثال اگر قبل از عمل جراحى ، بيمار مجبور به امضاى شرايطى باشد كه در صورت هر گونه ناموفق بودن جراحى ، وى هيچ گونه حق و حقوقى بر جراح و بيمارستان ندارد ، آيا در صورت هر گونه اختلال در جراحى ، مى توان مدعى شد با توجه به امضاء قبلى بيمار ، كادر درمانى هيچ مسئوليت شرعى بر عهده ندارند ؟

ج ٢٦ - معيار در انجام اين برنامه اطلاع هر يك از بيماران است به هر كيفيت كه مطلع شوند . والله العالم

س ٢٧ - در فرض مسأله (٢٥) اگر بيمار ، كاملاً بيهوش باشد و در حال حاضر هيچ شخص بالغ يا نابالغ كه خويشاوند وى باشد نيز در دسترس نباشد و از طرفى جان بيمار در خطر فورى باشد ، جهت اجازه و شرط چه بايد كرد ؟ آيا مى توان طبق وظيفه پزشكى هر گونه اقدام ممكن را بدون اجازه انجام داد ؟ اگر سهواً با اقدامات غير مؤثر به مرگ بيمار تسريع بخشيده شود مسئوليتى بر گردن پزشك معالج خواهد بود ؟ و اگر به خاطر خوف از عدم تأثير درمان و كمك به تسريع مرگ و مديون شدن ، پزشك هيچ كارى انجام ندهد آيا در اين صورت پزشك مسئول خواهد بود ؟ زيرا مشاهده شده است گاهى اجل شخصى فرا رسيده ولى علت مرگ را به غلط به پزشك معالج وى نسبت مى دهند؟

ج ٢٧ - در اين صورت پزشك بايد آنچه در توان دارد براى نجات جان بيمار انجام دهد واگر بدون تقصير پزشك عارضه اى براى بيمار پيش آمد بحكم قاعده احسان ضمانى بر پزشك نيست و بطور كلّى در هر مورد استناد

عارضه يا مرگ بيمار به پزشك مشكوك باشد واثبات نشود حكم به ضمان پزشك نمي شود . والله العالم

س ٢٨ - در فرض مسأله (٢٤ و ٢٥) اگر بيمار يا ولىّ او ، شرط را قبول نكردند ، آيا پزشك مى تواند بيمار را رها نمايد ؟

ج ٢٨ - پزشك غير از اعلام نظر خود وبيان راه درمان كه در اين دو فرض انجام داده وظيفه اى ندارد . والله العالم

س ٢٩ - در فرض مسأله (٢٤ و ٢٥) اگر بيمار ، كاملاً بيهوش باشد آيا مى توان از خويشان بالغ وى اجازه گرفته ويا با آنها شروط فوق را انعقاد نمود؟

ج ٢٩ - احتياط اين است كه مدير داخلى بيمارستانها از حاكم شرع اجازه داشته باشند كه در مورد اين بيمارها به مصلحت آنها عمل كنند و بهتر اينست كه از خويشاوندان همراه بيمار هم اذن بگيرند علاوه بر اين خود پزشك هم ممكن است بطور كلى از حاكم شرع براى اين موارد اذن بگيرد . والله العالم

س ٣٠ - يك نكته و سؤال مهم در مورد كشفيات جديد علوم پزشكى مى باشد . هر سال ، ماه ويا حتى هر روزه ، كشفيات ويا نتايج تحقيقات جديدى در مورد جنبه هاى مختلف علوم پزشكى اعلام مى شود كه روش هاى تشخيصى يا درمانى جديد ، داروهاى متفاوت و جديد يا مواد غذايى مؤثر جديد براى انواع بيمارى ها پيشنهاد مى شود و بر عكس ، برخى روش ها يا داروها يا مواد قبلى كاملاً غير مؤثر ، مضر و بى فايده معرفى مى شوند . آيا پزشك در قبال عوارض يا هزينه هاى بيهوده ناشى از روش هايى كه در گذشته مطرح بوده اند ، اما كسى نمى دانسته كه آنها مضر يا بى فايده اند ولى همين روش ها امروزه بى فايده يا مضر شناخته شده اند مسئول مى باشد؟

ج ٣٠ - ظاهرًا مسئوليتى ندارد چون بيمار به او مراجعه كرده كه با روش متداول او را درمان نمايد ولى اگر پزشك شخصا وبالمباشره عمل ميكند مثـل اينكـه بيمـار را تحـت عمـل جراحى قرار مي دهد بايد برائت خود را از هـر عارضـه كـه مستند به تقصيـر او نباشد از بيمار يا ولى او بگيرد . والله العالم

س ٣١ - اگر اين كشفيات جديد خيلى ديرتراز زمان كشف به اطلاع پزشك برسند و قبل از اطلاع ، طبيعتاً به همان روش هاى قبلى عمل شود آنگاه آيا پزشك در قبال عوارض يا هزينه هاى بيهوده روش هاى بى فايده مسئول است ؟

ج ٣١ - ظاهراً پزشك مسئول نيست مگر اينكه در كسب اطلاع لازم از كشفيات جديد مسامحه كرده باشد . والله العالم

س ٣٢ - نظر به اين كه ، به خاطر سپردن كامل همان روش هاى قبلى نيز در دوران دانشجويى امكان پذير نيست ، چه برسد به روش هاى جديد ، آيا پزشك مى تواند به همان روش هاى قبلى اكتفا نمايد و يا فقط در حدى كه وقت محدودش اجازه مى دهد به فراگيرى آنها بپردازد ؟ در اين صورت اگر متوجه مسائل مهم جديد نشود آيا مسئوليتى برعهده اوست ؟

ج ٣٢ - پزشك بايد بطور متعارف و معمول بين اطبّا در جريان تحوّلات علمى و درمانى قرار داشته باشد . والله العالم

س ٣٣ - اگر به خاطر عدم وجود امكانات كافى اطلاع رسانى ، اطلاعات جديد به پزشك نرسد و وى هيچگاه مطلع نگردد آنگاه مسئوليت بى فايده بودن روش هاى قبلى برعهده كيست ؟

ج ٣٣ - همين قدر كه پزشك طبق روشهاى درمانى رايج و رسمى عمل كند ظاهراً مسئوليتى ندارد . والله العالم

س ٣٤ - با توجه به اين كه گروه هاى بسيار زيادى در جهان مشغول تحقيق هستند و نتايج كار خود را دائماً اعلام مى نمايند و از طرفى افراد اين گروه ها ممكن است برخى از لحاظ علمى ، برخى از لحاظ اخلاقى و صداقت و برخى از لحاظ هر دو مورد كاملاً قابل تأييد نباشند به عبارت بهتر هيچ تضمينى نيست كه نتيجه اعلام شده تحقيق با واقعيات كاملاً منطبق باشد و از طرف ديگر هيچ مرجع واحدى در مورد تأييد يا ردّ تحقيقات وجود ندارد و يا اگر موجود هم باشد ، مدت زيادى طول مى كشد كه نتيجه صحيح كار ارائه شود ، در چنين شرايطى اگر نتيجه تحقيقاتى كه در رسانه ها و مجلات حتى معتبر اعلام مى شود با روش هاى قبلى ما - كه به فايده كامل و قطعى آنها اطمينان نداريم - مغاير باشد و يا مكمّل آنها باشد در اين صورت وظيفه ما چيست ؟ عمل به روش هاى قبلى يا جديد ؟

ج ٣٤ - به هركدام كه عرف پزشكى بيشتر اعتماد مى نمايد ظاهراً بايد به آن عمل كرد . والله العالم

س ٣٥ - با توجه به اينكه اگر بخواهيم طبابت پزشك را با توجه به مشكلات فوق و در صورت مواجهه با اين مشكلات ، تنها در صورتى مجاز بدانيم كه وى در اين زمينه ها داراى تخصص و تجربه كافى باشد عملاً مسائل درمان با اختلال كامل روبرو خواهد شد زيرا اولاً هر پزشكى تا رسيدن به اين تخصص و تجربه كافى بايد همان مراحل اوليه را طى كند - كه همان دوران بدون تجربه و تخصص است - و ثانياً به علت جمعيت زياد ، امكانات كم ، فرصت هاى ناكافى و دهها علل ديگر - حد اقل در كشور ايران - نمى توان انتظار داشت پزشكانى كه از ابتدا كاملاً مسلط باشند به طبابت بپردازند .

با توجه به مقدمه فوق و موضوعات مطرح شده در كليه سؤالهاى فوق ، مسائل مهمى مطرح مى شود كه :

الف - در مواردى كه پزشكى داروى مؤثر بر بيمارى يا عوارض خطرناك آن را فراموش نموده و فرصت و امكانات كافى جهت دسترسى به اطلاعات كافى يا پزشك متخصص ديگرى نيز ندارد .

ب - مطمئن است كه داروى خاصى براى بيمارى مفيد است اما همچنين مطمئن است و يا احتمال مى دهد كه در صورت تجويز آن دارو عوارضى خفيف و يا شديدتر از خود بيمارى و حتى مرگ در اثر اين دارو ، گريبان گير اين بيمار خواهد شد . - كه البته موارد الف و ب شامل مسائل تشخيصى نيز مى باشد ، آيا پزشك در اين حالات مى تواند مريض را به حال خود بگذارد و چنين فرض كند كه : گويا پزشكى موجود نبوده و قضا و قدر الهى هر چه باشد بر او جارى خواهد شد و بدين ترتيب خود را در معرض خطر مؤاخذه مادى و معنوى حاصل از عوارض احتمالى و هزينه هاى نابجاى آن قرار ندهد و كار وى را به خداوند واگذارد كه يا خود بهبودى نسبى يابد و فرصت تحقيقات بعدى فراهم گردد و يا به تدريج دچار عوارض شديد و مرگ گردد .

اصولاً در چنين مواردى كه پزشك واقعاً نمى داند كه براى نجات جان يا رفع و تسكين آلام يك بيمار چه كارى انجام دهد وظيفه او چيست ؟ درمانهاى بدون اطمينان و غير قابل اعتماد كه ممكن است خود آنها باعث مرگ يا عوارض شديدتر شوند ؟ و يا عدم هر گونه اقدام درمانى ؟ آيا اگر پزشك با اقدام به درمان نامطمئن ، موجب خسارت و مرگ مريض گردد مسئول است ؟ آيا اگر اقدام به هيچ درمانى نكند با توجه به علل و توضيحات فوق ، مسئوليتى متوجه اوست ؟

اين موضوع با توجه به اين نكته بايد در نظر گرفته شود كه گاهى ، فرصت هيچ مشورت و ارجاع بيمار به پزشكان متخصص و آگاه ديگرى وجود ندارد .

در خاتمه جهت روشن شدن موضوع مثالى ذكر مى شود : گاهى پزشكى كه داراى تجربه كافى نباشد با بيمارى در حالت بيهوشى مواجه مى شود كه نمى داند به طور مثال اين بيمار در اثر كمبود يا ازدياد قند بدنش دچار بيهوشى شده و در حالت ، طبيعى است كه درمان كاملاً متناقض است و باعث اشتباه پزشك مى شود .

ج ٣٥ - اگر پزشك واقعاً از تشخيص بيمارى بيمار و شناختن راه درمان آن عاجز است و نميتواند طبق اصول فنى داروئى را تجويز نمايد وظيفه اى ندارد ولى اگر راههائى براى درمان بنظر او ميرسد كه ميداند مضرّ نيست و احتمال مفيد بودن ميدهد بايد از آن راهها به درمان بيمار اقدام كند و او را بحال خود وانگذارد والاّ او و ديگران در تكليف على السواء هستند . والله العالم

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پي نوشت ها :

١ با توجه به اينكه اگر بخواهيم درمان ما هيچ ضررى نداشته باشد گاهى اصلاً هيچ درمانى نبايد انجام دهيم .

٢ با توجه به اينكه اگر بخواهيم درمان ما هيچ ضررى نداشته باشد گاهى اصلاً هيچ درمانى نبايد انجام دهيم .

# مسائل مربوط به هزينه درمان

س ٣٦ - اگر پزشك ، سعى خود را در مداواى بيمار انجام دهد ولى بيمار بهبودى نيابد آيا پزشك نسبت به هزينه درمانى كه بيمار قبلاً پرداخته حق ويزيت مديون است ؟

ج ٣٦ - ظاهــراً حــق ويــزيـــتى كـه پـزشـك دريـافـت مـى كـند مـشروط بـه بـهـبـودى يافتن بـــيمار نيـــست . والله العالم

س ٣٧ - بــا تــوجــه بــه ايــن كــه حــق طــبابــت - هــماننــد حــق وكــالــت و مــواردى از ايــن قــبيل و بــر خــلاف اجــناس كه داراى قــيمت خاصــى هســتند - از لــحاظ مــادّى ، غيــر قــابـل تــعيين مــى بـاشـد بــه نــظر حــضرت عــالــى بــهتريــن راه تــعيين مــيزان حــق طــبابــت چــيست ؟ آيــا مــقـدارى كه دولــت تــعيين مــى كــند در هر شــرايــطى قــابــل دريــافـت است و پزشك مديون نخواهد بود ؟

ج ٣٧ - تعــيين اجـــرت طــبابــت مــوكــول بــه تــراضــى طــرفـين اسـت اگـر خــود پــزشـك مــبلغى را تعــيين كــند او را به كمــتر از آن مبــلغ نمــى تـوان الـزام كرد و اگـر حـاكـم شــرع در بـعض مــوارد بــر اسـاس مصـالـح عــامه لازم الاســتيفاء مبــلغى را مــعيّن نـمود و پــزشـك آن مبــلغ را حــقّ ويــزيـت خـود قـرار داد دريــافــت آن مبــلغ بــراى او حــلال اســت . والله العالم

س ٣٨ - به نظر حضرت عالى بهــترين روش دريافــت حق طبابــت چگونه است ؟

ج ٣٨ - بر اساس عــدم اجحــاف و تعــيين حـق ويـزيـت مـناسـب با طبقات كم درآمد ولـى در اصـل مشــروعـيت عـمل ، تـراضـى طـرفـين مـيزان اسـت .والله العالم

س ٣٩ - آيـا دريافـت حـق طبابت ، قبل از بهبود بيمارى طبق روش مرسوم صحيح است ؟

ج ٣٩ - اگر بيمار با پزشك قرارداد كند كه مبلغى را در مقابل معالجه و بهبودى اش به او بدهد تا بهبود نيافته آن مبلغ را بدهكار نيست و همچنين اگر براى عمل جرّاحى مبلغى را معلوم كنند تا آن عمل انجام نشده بيمار چيزى بدهكار نيست و همچنين پزشك براى معاينه و دادن نسخه بعد از انجام آن مستحق اجرت است مگر اينكه در هر يك از اين سه مورد ترتيب ديگرى را معين كنند ولى اگر بيمار پزشك را براى انجام يكى از اين كارها اجير كند ظاهر اينست كه به مجرد وقوع معامله ذمّه پزشك مديون عمل و ذمّه بيمار مديون اجرت مى شود . والله العالم

# مسائل مربوط به معاينات

با توجه به اينكه معاينه ، تنها شامل اندازه گيرى نبض ، حرارت و فشار خون نيست بلكه طبق نظريات علوم پزشكى - در كتاب هاى نشانه شناسى - بايد شامل نگاه ، لمس ، دق ، سمع و نيز معاينات فيزيكى خاص در مورد تمامى اعضا و جوارح كه معمولاً از روى لباس امكان پذير نيست در مورد هر بيمارى و در هر شرايطى باشد ، در جهت : تشخيص ساده بسيارى بيمارى ها ، عدم تحميل هزينه هاى اضافى ناشى از آزمايشات متعدد بر بيمار ، تسريع تشخيص و كاستن از خطرات تشخيص به وسيله راههاى ديگر ، و لذا وظيفه پزشكى انجام هريك را ايجاب مى كند و در صورت عدم انجام هر يك ، گاه تشخيصى كه به راحتى بايد صورت گيرد انجام نمى شود و با عدم تشخيص ، بيمارى پيشرفت مى كند و جان بيمار در معرض خطر قرار مى گيرد . و نظر به اين كه در فتاواى مراجع بزرگوار آمده است كه اگر پزشك خانم در دسترس باشد ، جائز نيست بيمار خانم به پزشك مرد مراجعه نمايد ، خواهشمند است در موارد زير ، بفرماييد :

س ٤٠ - اگر بطور مثال بيمار خانمى كه جانش در خطر است به تنها پزشك يك روستاى دور افتاده كه مرد است مراجعه كند آيا اين پزشك مجاز است هر گونه معاينه ضرورى را در مورد بيمار انجام دهد ؟

ج ٤٠ - بلى با اينكه پزشك زن بطور عادى در دسترس نيست مرد ميتواند هرگونه معاينه را كه ضرورت داشته باشد انجام دهد . والله العالم

س ٤١ - در فرض فوق سؤال ٤٠ اگر جان بيمار در خطر نباشد بلكه يك بيمارى خفيف يا متوسط وجود داشته باشد آيا بيمار خانم حتماً بايد به پزشك خانم در شهر مراجعه كند و يا در همانجا پزشك مرد مجاز است با انجام معاينات ضرورى ، اقدام به تشخيص و درمان نمايد ؟

ج ٤١ - اگر بطور عادى و بدون حرج و مشقت رفتن به شهر ميسر است بايد در شهر به پزشك زن مراجعه نمايد . والله العالم

س ٤٢ - در صورت لزوم ، به طور كلى چه پزشك خانم در دسترس باشد و چه نباشد لمس بدن خانم بيمار از روى لباس ، چه صورت دارد ؟

ج ٤٢ - اگر فتنه وتهييج غريزه جنسى نباشد اشكال ندارد . والله العالم

س ٤٣ - ذكر نكته مهمى در اينجا ضرورى بنظر مى رسد كه :

اگر هم با يك سرى تمهيدات لازم بتوانيم در سطح كشور ، موفق به جداسازى مراكز درمانى خواهران از برادران بشويم ، با توجه به اين كه هر پزشكى در طول دوران دانشجويى خود بايد هر چند مختصر از انواع و اقسام اختلالات و بيمارى ها چه در مورد آقايان و چه خانم ها آگاهى يافته وآموزش ببيند اعم از انجام معاينات كامل ، آگاهى از بيمارى هاى زنان و چگونگى انجام زايمان سالم و با توجه به اين كه در مورد دانشجويان ، اين موارد بيشتر آموزشى هستند تا درمانى ، يعنى ممكن است نجات جان بيمار در همان زمان وابسته به اين زمان نباشد اما به وسيله اين آموزش كه در بيمارستان هاى آموزشى صورت مى گيرد دانشجو براى مراحلى كه در آينده زندگى بيماران وابسته به وجود او خواهد بود ، آماده مى شود و از اين رو هر يك از دانشجويان در دروه هاى مختلف ، ملزم و مجبور به گذراندن واحدهاى درسى در تمامى بيمارستان اعم از زنان و مردان ، فراگيرى تمامى مسائل و امتحان دادن در پايان دوره مى باشند تا بتوانند در نهايت فارغ التحصيل موفق باشند .

با در نظر گرفتن تمامى اين شرايط ، بفرماييد تكليف و وظيفه دانشجو چيست ؟ آيا مى تواند به خاطر رعايت مسائل شرعى از فراگيرى كامل بسيارى مسائل بگذرد و در نتيجه در گذراندن واحدهاى درسى هم ناموفق باشد ؟ و يا در هر شرايطى و با هر وسيله اى بايد به فراگيرى صحيح كارش بپردازد تا در آينده كمتر دچار مشكل شود ؟ و بطور كلى چگونه مى توان بين وظيفه پزشكى و دانشجويى كه در كتب پزشكى ، بر انجام آنها تأييد شده و وظيفه شرعى و اسلامى كه طبيعتاً نبايد با وظيفه پزشكى تناقض داشته باشد جمع كرد ؟

ج ٤٣ - با توجّه به ضرورت و نياز مبرم عامه و توقف حفظ نفوس محترمه بر فراگيرى بسيارى از امور مذكوره ميتوان فراگرفتن اين اطلاعات علمى پزشكى را از واجبات كفائيه دانست عليهذا هر چند مستلزم ارتكاب بعض از اعمالى كه فى حدّ نفسه وقطع نظر از تزاحم آن باتكليف اهم محرم است باشد بر اساس قاعده تزاحم ، دفع مفسده أهم به ارتكاب مفسده مهم يا جلب مصلحت اهم به ترك مصلحت مهم ، در همه اين موارد كه تكاليف شرعيه با يكديگر تزاحم پيدا مى كنند ارتكاب اقلّ المحذورين جائز است ولى بايد كمال احتياط ملاحظه شود كه از حدّ ضرورت خارج نشود . والله العالم

س ٤٤ - همانطور كه مستحضر مى باشيد تخصص هاى علوم پزشكى بسيار زياد است و متخصصين خانم در هر رشته معمولاً در حال حاضر در ايران بجز در برخى رشته ها يا نادر يا كم مى باشند فلذا در شهرهاى كوچك و بزرگ نيز بايد به خاطر تعداد زياد بيماران و تعداد كم پزشك و يا تحميل هزينه گزاف ، همانطور كه بسيار شايع است خانم هاى بيمار به پزشك مرد مراجعه مى كنند ، در اين صورت وظيفه پزشك مورد مراجعه چيست ؟ آيا اگر بتواند و يا احتمال دهد كه مى تواند با معاينات مختلف و ضرورى بيمارى را تشخيص و درمان كند مكلّف است چنين كارى را انجام دهد و يا بايد وى را به يك پزشك خانم ارجاع دهد ؟ در شرايطى كه خيلى از بيماران ، به دلايل فوق قادر به اين كار نيستند ، آيا در صورت ارجاع و تأخير در تشخيص و درمان بيمارى وى ، اين پزشك مسئول نيست ؟

ج ٤٤ - اگـر ارجـاع بيمار زن به پزشك زن موجب تأخير در معالجه و در نتيجه معرض خطر براى بيمار است ارجاع او به پزشك زن در محلّ ديگر جائز نيست و اگر خطرى ندارد او را به پزشك زن ارجاع دهد . ولى اگر بتواند بوسيله دستيار زن معاينات لازم را انجام دهد ارجاع لازم نيست . والله العالم

س ٤٥ - در صورت لزوم ، مشاهده ولمس موهاى خانم بيمار ، جهت معاينه توسط پزشك مرد چه صورت دارد ؟

ج ٤٥ - در مثل اين مورد بايد ضرورت هائى كه به آن اشاره شد وجود داشته باشد والاّ جائز نيست . والله العالم

س ٤٦ - اگر پزشك مرد ناچاراً مجبور به معاينه خانم بيمار شد و يا بر عكس خانم بيمار ناچار به مراجعه به پزشك مرد شد با توجه به اين كه در صورت رعايت كامل مسائل شرعى و اخلاقى در معاينه كامل خانم ها شايد بتوان گفت بيش از ٩٠% معاينات كه در كتب پزشكى به انجام آنها تأكيد شده است بايد انجام نگيرد ، اگر با اين گونه معاينه سطحى و غير كامل ، بيمارى وى تشخيص صحيح داده نشد و درمان كامل صورت نگرفت آيا پزشك مسئول است ؟ اگر مسئول است چاره چيست ؟ آيا بايد بر خلاف مسائل شرعى عمل كند ؟

تذكر اين نكته ضرورى است كه پزشكان متخصص و مجرب بدون احتياج به معاينات كامل ممكن است بتوانند تشخيص و درمان انجام دهند اما براى افراد نا مجرب و دانشجويان ، تا رسيدن به اين مرحله ، زمان زيادى لازم است .

ج ٤٦ - اگر پزشكى كه در دسترس است منحصر باشد به پزشكى كه بدون معاينه كامل نمي تواند بيمارى را تشخيص دهد طبعاً معاينه كامل ضرورت دارد و جايز است و بدون معاينه لازم اقدام به معالجه جايز نيست . والله العالم

س ٤٧ - با توجه به اين كه جهت معاينه ساده پروستات ، حتماً بايد از طريق مقعد ، بيمار را مورد بررسى قرار داد تا تشخيص قطعى بيمارى هاى پروستات داده شود ، همچنين در بسيارى بيمارى هاى آلات ادرارى - تناسلى ، مشاهده و گاه لمس آنها ضرورى است ، آيا در چنين مواردى پزشك مرد مى تواند بيمار مرد را بدون اشكال شرعى معاينه نمايد ؟ اگر با عدم انجام اين معاينه ، متوجه بيمارى نشود و بيمارى مثلاً سرطان پيشرفت كند ، آيا پزشك مسئول است ؟

با توجه به اين كه استفاده از آينه ، هميشه امكان پذير نيست ودر ضمن عمل لمس را نيز بايد با ديد كامل با دست انجام داد و از اين رو در حال حاضر در تمامى مراكز درمانى اين معاينه مستقيماً انجام مى شود .

ج ٤٧ - جواز وعدم جواز همه اين امور دائر مدار ضرورت وعدم ضرورت و امكان اكتفا به ارتكاب محذور أخف و عدم آن است . والله العالم

س ٤٨ - طبق نظرات علوم پزشكى ، يكى از معايناتى كه امروزه در هر بيمارى بخصوص در بيمارى هاى ادرارى - تناسلى جزو معاينات اصلى اوليه به شمار مى آيد اگر چه در انجام آن ، متأسفانه يا خوشبختانه مسامحه مى شود عملى به نام «توشِه رِكتال» است - كه يك نوع معاينه نظرى و لمسى از طريق مقعد مى باشد - و از طرفى يكى از دقيقترين روش هاى تعيين درجه حرارت فرد از طريق مقعد مى باشد ، با توجه به اين موضوعات و اين كه اين معاينات گاهى به خاطر احتياط در جهت تشخيص يا رد برخى بيمارى ها انجام مى شود و گاهى در تشخيص برخى بيمارى ها بسيار مؤثر و روش كم خرج و ساده اى به نظر مى آيد ، آيا پزشك مرد مجاز است چنين معاينه اى را چه جهت آموزش (به وسيله دانشجويان) و چه جهت تشخيص احتمالى يا قطعى در مورد بيمار مرد انجام دهد ؟ و اگر با عدم انجام آن ، متوجه بيمارى و راه درمان وى نشود آيا مسئول نيست ؟

ج ٤٨ - با اقتضاى ضرورت به مقدار دفع ضرورت جائز است و بيشتر جائز نيست . والله العالم

# مسائل مربوط به پيوند اعضا

س ٤٩ - اگر جسدى مجهول الهويه كه اعضاى قابل پيوندى داشت ، در دسترس باشد آيا مى توان اين اعضا را به بيمارى كه محتاج است ، پيوند زد ؟

ج ٤٩ - اگر جسد كافر باشد اشكال ندارد و نسبت به جسد مسلم در صورتى كه جسد كافر در دسترس نباشد و حفظ نفس مسلمانى ديگر برآن توقف داشته باشد حكم بجواز خصوصاً باذن مجتهد جامع الشرايط قابل توجيه است ولى ديه آن ساقط نميشود . والله العالم

در مواردى كه نجات جان بيمار مسلمانى وابسته به پيوند يك يا چند عضو از شخص ديگرى باشد لطفاً بفرمائيد :

س ٥٠ - در فرض مسأله فوق (٤٩) اگر بعداً ولىّ متوفّى پيدا شود و از اين كار ناراضى باشد ، چه بايد كرد ؟

ج ٥٠ - در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن ، اگر آن را قابل توجيه دانستيم عدم رضايت ولى مضرّ نيست . والله العالم

س ٥١ - اگر شخصى وصيت كند بعد از وفاتش ، اعضاى قابل پيوندش را به بيماران پيوند زنند آيا مجاز به اين كار هستيم ؟

ج ٥١ - در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن ، جواز قابل توجيه است و الاّ وصيّت شخص مجوّز نيست . والله العالم

س ٥٢ - اگر شخصى وصيت كند بعد از وفاتش ، اعضايش را به ديگران پيوند زنند امّا ولىّ وى پس از مرگش از اين كار ناراضى باشد آيا مجازيم اين كار را بدون اجازه ولىّ انجام دهيم ؟

ج ٥٢ - جواز فقط در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن قابل توجيه است . والله العالم

س ٥٣ - اگر شخصى از پيوند اعضاى خود به ديگران پس از مرگش ناراضى باشد ولى پس از وفاتش ولىّ وى مايل به اين كار باشد آيا مى توانيم چنين كارى انجام دهيم ؟

ج ٥٣ - از جواب پرسش هاى قبل جواب اين سئوال هم معلوم ميشود . والله العالم

س ٥٤ - اگر شخصى در طول زندگيش نظر مخالف يا موافقى در مورد پيوند اعضايـش نداشـت ، آيـا پس از مرگش مى توان به اجازه ولىّ وى چنين كارى را انجـام داد ؟

ج ٥٤ - از جوابهاى قبل جواب اين سؤال هم معلوم مي شود . والله العالم .

س ٥٥ - آيـا برداشتـن عضـو از بـدن فـرد زنـده جهـت پيونـد ، مستلـزم پرداخـت ديـه مى باشد ؟

ج ٥٥ - بـدون درخواست او ديه دارد و با درخواست خودش اثبات ديه محلّ تأمّل است و اما حكم تكليفى از جواب ساير مسائل معلوم مي شود . والله العالم

س ٥٦ - اگر احتمال بدهيم با برداشتن يك يا چند عضو از شخصى كه زنده است ، در آينده نزديك يا دور وى دچار عوارض خفيف يا شديد خواهد شد و از طرفى نجات جان بيمار ديگرى وابسته به همين كار باشد . و مورد ديگرى نيز در دسترس نباشد ، آيا مجازيم بدون آگاهى دادن شخص پيوند دهنده ، چنين كارى را انجام دهيم؟ اگر به وى اطلاع بدهيم و با تمايل وى عضو پيوندى را از بدنش خارج كنيم ، در صورت ايجاد عارضه در وى ، آيا پزشك مسئول است ؟

ج ٥٦ - بدون آگاهى او مسلماً جائز نيست و با آگاهى و اذن او و توقف حفظ جان بيمار جواز قابل توجيه است ولى با احتمال خطر جانى حرام و با عارضه شديد براى خود شخص حكم بجواز مشكل است . والله العالم

س ٥٧ - اگـر مـطمئن بـاشيـم و يـا احـتمال دهـيم كـه ايـن پيـونـد رد خـواهد شـد و نـهايـتاً مـفيد نـخواهـد بـود آيـا مـجازيـم بـا خـوش بيـنى و به عنوان كمـك به بيـمار ، از بدن فـرد زنده يا مرده ديگرى عضـوى را جدا و به آن بيـمار پيـوند بزنيم؟

ج ٥٧ - با اطمينان به عدم فائده جائز نيست و با احتمال عقلائى در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن قابل توجيه و بررسى است . والله العالم

س ٥٨ - با توجه به اين كه بعد از پيوند ، شيمى درمانى ضرورى به نظر مى رسد وهمين عمل باعث عوارض خفيف تا شديد در بيمار مى گـردد ، آيا پزشكى كه مجبور به انجام اين كارجهت عدم ردّ پيوند مى باشد در ايجاد عوارض آن، مسئول است؟

ج ٥٨ - اگر عنوان درمان و معالجه دارد اشكال ندارد . والله العالم

س ٥٩ - آيا مى توان اعضاى شخصى را كه دچار مرگ مغزى شده است و از لحاظ پزشكى اميدى به زنده ماندن وى نيست ، ولى برخى اعضايش مثل قلب وى براى مدتى هنوز كار مى كنند به بيمارى كه محتاج است پيوند زد ؟

با توجه به اين كه اگر صبر نماييم ، ممكن است ديگر ، اعضايش ، قابل پيوند نباشند .

ج ٥٩ - اگر سبب تسريع در مرگ يا شدت بيمارى او مى شود جائز نيست و بـدون آن هـم چـون كسـب اجـازه از بيمـار ممكـن نيست جائز نمى باشد .والله العالم

س ٦٠ - آيا براى شخص جائز است كه اجازه دهد در حال حيات يا پس از مرگ ، بعض اعضاى او كه حفظ نفس بيمارى بر آن متوقف نيست از قبيل انگشت ، دست ، قرنيه چشم و را در مقابل وجه يا مجاناً به ديگرى پيوند زنند ؟

ج ٦٠ - جائز نيست . والله العالم

س ٦١ - آيا مى توان از اعضاى بدن خوك به انسان پيوند زد ؟

ج ٦١ - ظاهراً اشكالى ندارد چون بعد از پيوند ، جزء بدن انسان محسوب مى شود . والله العالم

# مسائل مربوط به تشريح

س ٦٢ - آيا مجازيم مسلمانى را كه وصيت كرده بعد از وفاتش ، وى را تشريح كنند ، تشريح نماييم ؟

ج ٦٢ - با عدم ضرورت مانند حفظ نفس محترمه و امكان استفاده از جسد ميت كافر ولو با خريد آن جائز نيست . والله العالم

س ٦٣ - اگر ندانيم جسدى كه در اختيار ماست جسد يك مسلمان است يا كافر يا اهل كتاب ، آيا مجازيم آن را تشريح نماييم ؟

ج ٦٣ - دائر مدار اين است كه ميّت درچه محلى باشد اگر در دار الاسلام و بلاد مسلمين است محكوم به اسلام است و تشريح

س ٦٤ - آياتفاوتى بين اهل تسنن واهل تشيّع درعدم جوازتشريح جسد،وجوددارد؟

ج ٦٤ - تفاوتى وجود ندارد . والله العالم

س ٦٥ - آيا مى توان جسد افراد به ظاهر مسلمان - مسلمان شناسنامه اى - را كه به خاطر ارتداد ، فساد اخلاقى ، قاچاق مواد مخدر ، مسائل سياسى و . . اعدام شده اند تشريح نمود؟

ج ٦٥ - مرتدّ حكم كافر را دارد ولى مسلمان محكوم به اعدام جسدش حكم جسد مسلمان را دارد . والله العالم

س ٦٦ - آيا مى توان براى تشريح ، جهت آموزش ، به علّت كمبود جسد واستخوان كه بدون آنها آموزش امكان پذير نيست اقدام نبش قبر غير مسلمانان نمود ؟

ج ٦٦ - اگر در ذمّه اسلام نبوده جائز است و اگر در ذمّه اسلام بوده در صورتيكه طبق آداب خودشان جائز باشد اشكالى ندارد . والله العالم

س ٦٧ - در فرض مسأله فوق (٦٦) اگر ندانيم اين قبر متعلق به مسلمان يا غير مسلمان است ، آيا مجازيم نبش قبر انجام دهيم ؟

ج ٦٧ - اگر در بلاد مسلمين است جائز نيست . والله العالم

س ٦٨ - در صورتى كمبود جسد و استخوان ، آيا مى توانيم استخوان هايى را كه در بيابان و قبرستان ها مى يابيم و يا به وسيله عمليات حفارى شهردارى ها در سطح خاك ظاهر مى شوند - چه متعلق به مسلمانان و چه غير مسلمانان - مدتى جهت آموزش استفاده كرده و بعد از اتمام كار ، به يك مركز آموزشى هديه نماييم ويا دفن كنيم ؟

ج ٦٨ - استخوان مرده مسلمان بايد فوراً دفن شود . والله العالم

س ٦٩ - ١ : آيا براى تشخيص علت مرگ جهت پيشرفت علم پزشكى و تعليم به دانشجويان شكافتن - كالبد شكافى - جائز است ؟

٢ : اگر كالبد شكافى براى كشف جرم و شناسايى قاتل باشد حكم چگونه است؟

٣ : اگر كالبد شكافى تنها راه براى رهايى يك متهم بى گناه از مرگ باشد قضيه چند حكم دارد ؟

ج ٦٩ - ١ : شكافتن جسد كافر جائز است . والله العالم

٢ : جائز نيست . والله العالم

٣ : كالبد شكافى در موازين قضائى شرعى به منظور شناختن مجرم جائز نيست و متهم اگر از راههاى مشروع و منطقى جرمش ثابت نشودآزادمى شود .والله العالم

س ٧٠ - اگر براى تشخيص حيات يا مرگ مصدومى تنها راه منحصر به شكافتن يكى از شريان هاى وى باشد بفرمائيد :

١ : آيا انجام اين كار جائز است يا خير؟

٢ : آيا انجام اين عمل درصورت ضرورت مستلزم پرداخت ديه مى باشد ياخير ؟

٣ : اگر بايد ديه پرداخت شود به عهده كيست كه بپردازد ؟

ج ٧٠ - ١ و ٢ و ٣ : براى مجرّد تشخيص حيات يا مرگ ، شكافتن شريانهاى مصدوم جائز نيست ولى اگر مقدمه معالجه او باشد جايز است وبا اذن خود او يا ولى او يا مجتهد جامع الشرائط يا وكيل مجتهد و در صورت توقف حفظ حيات او بر شكافتن شريان وفوريّت آن و عدم دسترسى به ولى وجوب ديه معلوم نيست . والله العالم .

س ٧١ - معمولاً روى انسان ها آزمايش هاى طبى گوناگونى كه گاه خطرناك هم مى باشد انجام مى دهند براى كسب اطلاعات بيشتر پزشكى در جهت تشخيص امراض و درمان آنها بفرمائيد :

١ : اگر بيمارى قطع داشته كه چنانچه خود را در معرض چنين آزمايشاتى قرار دهد باستقبال خطرات جانى براى خود رفته است ولى از طرفى هم به پيشرفت علم پزشكى و به معالجه و مداواى جامعه مسلمانان در آينده كمك نموده است ، آيا خود را در معرض چنين آزمايشاتى قرار دادن جائز است ؟

٢ : اگر ضرر جانى محتمل باشد ، ولى كمك به علم پزشكى فوق الذكر قطعى آيا در اين صورت مى تواند خود را در معرض آزمايش قرار دهد ؟

٣ : اگر هيچ گونه علم به ضرر جانى براى خود نداشته باشد و فايده آزمايش هم براى كمك فوق الذكر محتمل باشد ، چه حكمى دارد ؟

٤ : اگر فايده آزمايشات فوق الذكر به سود تمامى افراد بشر تمام گردد بفرمائيد حكم خود را در معرض قرار دادن در صورت علم به ضرر و يا احتمال ضرر و يا عدم علم به ضرر چه خواهد بود ؟

٥ : در صورتى كه آزمايشات فوق براى اهداف فوق الذكر هيچ گونه ضررى براى انسان بيمار نداشته باشد آيا طبيب بدون اطلاع دادن به بيمار و بدون كسب اجازه از او مى تواند چنين اقدامى نمايد ؟

٦ : اگر در صورت ضرورت انجام چنين آزمايشاتى جائز باشد چگونه بودن آن ضرورت را بيان نماييد ؟

ج ٧١ - ١ : جائز نيست . والله العالم

٢ : اگر احتمال ضرر معتنى به و عقلائى باشد جايز نيست . والله العالم

٣ : جائز نيست چون احتمال ضرر جانى منتفى نيست . والله العالم

٤ : جواب همان است كه از سه مسئله قبل دانسته شد . والله العالم

٥ : نمى تواند . والله العالم

٦ : ضرورت ، توقف حفظ نفس شخص بيمار براى عملى است كه فايده آزمايشى دارد . والله العالم

س ٧٢ - اگر آزمايشات فوق روى حيوانات انجام شود كه در پايان آنها حيوانات از بين خواهند رفت بفرمائيد صرف نظر از ضمان آيا چنين كارى براى پيشرفت كارهاى پزشكى جائز است ؟

ج ٧٢ - جايز است ولى رحم انسانى و اسلامى اقتضاء دارد كه به صورتى انجام شود كه بى رحمى نسبت به حيوان زبان بسته شمرده نشود و موجب زجر و شكنجه زياد او نشود .والله العالم

س ٧٣ - در صورتى كه ضرورت داشته باشد علت مرگ يك شخص بطور مثال جهت تعيين قاتل وى مشخص شود ، آيا مجازيم جسد وى را در پزشكى قانونى ، تشريح نماييم ؟ و يا اگر مدفون باشد ، نبش قبر كرده جسد وى را بررسى نماييم ؟

ج ٧٣ - در مورد سؤال حكم بجواز تشريح مشكل است ولى نبش قبر براى ديدن بدن واثبات حق اشكالى ندارد . والله العالم

س ٧٤ - با وجود امكان تهيه جسد كافر از خارج چناچه در بعض ممالك اسلامى عمل مى شود آيا واجب است مسئولين مربوطه اقدام نمايند ؟ و با وجود امكان تهيه ، ضرورت جواز تشريح ميت مسلمان پيدا مى شود يا خير ؟

ج ٧٤ - با امكان تهيه جسد كافر هر چند بخريد آن باشد تشريخ ميّت مسلمان به عنوان ضرورت جائز نيست . والله العالم

# مسائل مربوط به دوران باردارى

س ٧٥ - اطباء در آزمايشگاهى منى مرد «اسپرم» را با منى زن «اوُوُل» در لوله آزمايش قرار داده و آن را رشد مى دهند به فرمائيد :

١ : آيا آن نطفه رشد يافته را مى توان دور افكند يا اينكه حكم سقط جنينى را پيدا مى كنند و بايد تا طفل كامل صاحب روح شدن از وى محافظت نمود ؟

٢ : اگر دور افكندن آن جايز نباشد آيا بايد ديه سقط جنينى پرداخت ودر صورتى كه بايد پرداخت شود به عهده كيست ؟

٣ : آيا دوراندازى آن در زمان قبل از ولوج روح يا بعد از ولوج فرق دارد لطفاً بيان نمائيد؟

٤ : در مورد سئوال فوق آيا فرقى بين منى مرد اجنبى با منى زن اجنبيّه براى لقاح و رشد در لوله آزمايشگاهى هست يا خير ؟

٥ : اگر منى مرد و زن اجنبى و اجنبيّه باشد اصل انجام اين جايز است يا خير؟

ج ٧٥ - ١ : جـواز اتـلاف و دور افكنـدن آن مورد اشكال است و احتياط بحفظ آن تا رشـد كامـل تـرك نشود بلى وجوب محافظت ازآن نيزمحلّ تأمل است

٢ : بلى احكام ديه بر آن مرتب ميشود بنابر همان احتياط واجب و ديه آن بر عهده كسى است كه مباشرت در اتلاف آن داشته .والله العالم

٣ : بلى فرق دارد همان فرقى كه اسقاط جنين با اسقاط نطفه در موارد ديگر دارد

٤ و ٥ : اصل جواز قرار دادن منى مرد اجنبى و زن اجنبيّه براى لقاح و رشد محلّ اشكال است هر چند توقف بر معصيت ديگر نداشته باشد ولى بعد از انعقاد جنين حكم همان است كه در بند يك جواب داده شد . والله العالم

س ٧٦ - اطباء مى توانند جنين را از شكم زنى كه نمى توان آن را در رحم معيوب خود پرورش دهد وسقط مى كند خارج نموده و در رحم سالم زن ديگرى قرار داده كه در آنجا جنينى به رشد خود ادامه داده تا به طور طبيعى متولد شود بفرمائيد :

١ : آيا اگر زن دوّم هم همسر شوهر زن اوّل باشد (كه نطفه متعلّق به يك شوهر مى شود اين كار جايز است ؟

٢ : درصورتيكه زن دوّم باشوهرزن اوّل بيگانه و اجنبى باشدآيااين كارجايزمى باشد؟

٣ : اگر انجام اين كار قبل از ولوج روح يا بعد از ولوج روح فرق دارد آن را بيان فرمائيد؟

ج ٧٦ - ١ : در اين فرض فى حدّ نفسه بشرط اينكه مستلزم گناه ديگر نشود ، اشكال ندارد .

٢ : اگر بعد از انعقاد نطفه زن و شوهرش باشد كه نطفه مرد اجنبى با زن اجنبيّه منعقد نشود اشكال ندارد .

٣ : در هر دو صورت بى اشكال است . والله العالم

س ٧٧ - آيا سقط عمدى جنينى كه مطمئنيم يا احتمال مى دهيم معيوب و نارسا مى باشد ، در هر ماهى از باردارى اگر ديه لازمه هم پرداخت شود ، مجاز است ؟

ج ٧٧ - جائز نيست . الله العالم

س ٧٨ - اگر طبيب تشخيص قطعى داد كه ماندن جنين در شكم مادر موجب مرگ مادر مى گردد بفرمائيد ؟

١ : آيا جايز است جنين را در شكم مادر از بين ببرند تا مادر سالم بماند؟

٢ : آيا مى توان مادر را به همان حال باقى نهاد تا بچه سالم بماند ومادر بميرد ؟

٣ : اگر در باقى گزاردن مادر به همان حال احتمال مرگ هم مادر وهم بچه در كار باشد تكليف چيست واحتمال مرگ وسلامت براى هر دو مساوى باشد ؟

٤ : اگر حكم فوق نسبت به جنين قبل از ولوج روح وبعد از ولوج روح فرق پيدا مى كند حكم هر دو حال را توضيح فرمائيد ؟

ج ٧٨ - بعد از ولوج روح جائز نيست و قبل از ولوج روح در صورتيكه حفظ جان مادر متوقف بر سقط باشد جواز قابل توجيه است . والله العالم

س ٧٩ - با عكس بردارى از جنين درون شكم مادرى معلوم شده كه جنين ناقص الخلقه مى باشد كه پس از تولد بمانند تكه گوشتى به كنارى خواهد افتاد وهيچگونه فعاليتى نمى تواند داشته باشد و فاقد هر گونه درك وشعور انسانى خواهد بود به فرمائيد :

١ : آيا جايز است در همان حال جنين بودن (قبل از ولوج روح يا بعد از ولوج روح) وى را از بين برد وجنين را ساقط نمود ؟

٢ : اگر اين طفل به دنيا آمد و سپس مريض شد ، آيا جايز است كه هيچگونه اقدامى در مورد درمان وى انجام نداد تا زودتر بميرد وچه بسا از درد و رنج هم راحت شود ؟

ج ٧٩ - ١ و ٢ : جائز نيست . والله العالم

س ٨٠ - بر طبق تشخيص پزشكان جنينى هست كه اگر در شكم مادر بماند خواهد مرد ولى اگر آنرا از شكم مادر خارج نمايند و در دستگاه مخصوص (انكوباتور) بگذارند زنده مى ماند و به رشد و حيات خود ادامه مى دهد بفرمائيد :

١ : تكليف در اين مورد چيست آيا مى توان بچه را از شكم مادر خارج نمود ؟

٢ : آيا قبل از ولوج روح و يا بعد از ولوج حكم فرق مى كند آن را هم بيان فرمائيد؟

ج ٨٠ - ١ و ٢ : در صورت مذكور كه علم به تلف شدن جنين حاصل شود اخراج آن از شكم مادر و حفظ و نگهدارى آن بنحو مذكور جايز است و فرقى بين قبل از ولوج روح و بعد از آن نيست بلى بعد از ولوج روح خارج كردن آن از شكم مادر واجب است و وجوب آن قبل از ولوج روح معلوم نيست ولى موافق احتياط است . والله العالم

س ٨١ - در مواردى كه پزشك باعث سقط جنين مى شود ، ديه لازمه بايد توسط چه كسى پرداخت شود ؟ آيا حتماً بايد قبلاً پزشك شرط كند كه ديه به عهده وى نيست و آيا اين شرط ، جهت رفع دين از وى كافى است ؟ اگر با وجود قبول اين شرط ، فردى كه ديه براو واجب است ، آن را پرداخت نكند ، آيا در اين صورت پزشك مديون خواهد بود ؟

ج ٨١ - اگر پزشك مباشر سقط جنين مى شود ديه بر او است و شرط پزشك در برائت از ديه اثرى ندارد . والله العالم

س ٨٢ - اگر طبيبى متوجه شد كه جنينى درون شكم مادرى داراى نقص عضو مى باشد كه در صورت اطلاع دادن به والدين او احتمال زياد مى دهد آنان اقدام براى سقط جنين به نمايند و شايد هم در مقام معالجه نقص عضو از جنين بر آيند كه احتمال بهبودى بسيار كمى را دارد ، و در ضمن اگر اطلاع دهد در معرض شكايت والدين نسبت به عدم اطلاع به آنان از وضعيت جنين قرار نخواهد گرفت به فرمائيد وظيفه طبيب در اينجا چيست ؟

ج ٨٢ - در صورتيكه علم نداشته باشد كه آنها اقدام به سقط جنين مى نمايند چون محتمل است در مقام معالجه بر آيند ، مطلّع ساختن آنها جائز است و اگر آنها مرتكب سقط جنين شوند مسئول خود عامل است . والله العالم

س ٨٣ - ١ : بيمارانى كه از درد شديد رنج مى برند چنانچه به آنان مسكن هاى قوى داده شود دردشان تسكين خواهد شد ، ليكن به احتمال قوى به اين خاطر بعداً دچار عوارض جنين و ناراحتى هائى خواهند شد به فرمائيد تكليف طبيب نسبت به اين گونه بيماران چيست؟

ج ٨٣ - ١ : دوا را به خود بيمار بدهد و او را از اين عوارض جَنْبى مطّلع سازند تا با ملاحظه أهم ومهمّ خود اقدام نمايد .

٢ : اگر مسكّن موجب تأخير مرگ او نمى شود ندادن مسكّن به او اگر ميتواند درد را تحمّل نمايد جايز است و الاّ بى رحمى شديد است و جايز نيست . والله العالم

س ٨٤ - اگر پزشك به طور قطع تشخيص داد كه فرزندان بعدى زن و شوهرى ، ناقص العضو خواهند شد بفرماييد :

١ : آيا برطبيب واجب است در صورت سؤال والدين ، واقعيت را به آنان اطلاع دهد ؟

٢ : آيا در صورت عدم سؤال آنان ، بر طبيب واجب است به آنان بگويد تا آنان از پيدا كردن چنين فرزندانى جلوگيرى نمايند ، اگر واجب نيست آيا گفتنش حرام مى باشد ؟

٣ : اگر طبيب احتمال دهد كه آنان در صورت اطلاع از اين جهت هر بارى كه فرزند پيدا كنند اقدام به سقط وى خواهند نمود . در اينجا وظيفه طبيب چيست گفتن يا نگفتن ؟

ج ٨٤ - ١ : در صورت سؤال والدين ، نبايد خلاف واقع بگويد والله العالم

٢ و ٣ : در سائر موارد بر طبيب واجب نيست هر چند مطلّع كردن آنها حرام نيست . والله العالم

# مسائل مربوط به عمل جراحى

س ٨٥ - بيــمارى كــه بــنابــر تــشخيص اطــباى حــاذق در صــورت تــرك نــمودن عــمل جــراحــى بــه زودى خــواهــد مــُرد و در صــورت اقــدام بــه عــمل جــراحــى احــتمال قــوى دارد كــه زنــده بــمانــد ولــيكـن تــا پــايــان عــمـر دچــار درد و رنـــج شــديــد و تــوانــفرســا و احــتمـال مـرگ هـم در كـار مـى بـاشـد ، بـفرمـاييـد تـكلـيف ايـن بيـمار چـيست عـمل جـراحـى يـا تـرك آن؟

ج ٨٥ - حفظ نفس بيمار به هر صورت لازم واهمّ است . والله العالم

س ٨٦ - شخصى كه استخوان پاى وى شكسته است چنانچه جراحى روى پاى وى انجام ندهند تا پايان عمر زمين گير شده و با درد و رنج بايد بسر ببرد و اگر عمل كند احتمال بهبودى داده مى شود بفرماييد :

١ : با چند درصد احتمال بهبودى تكليف وى اقدام براى عمل مى باشد ؟

٢ : چنانچه عمل و شرايط به گونه اى است كه احتمال مرگ هم بعيد نباشد به فرمائيد با چند درصد احتمال مرگ دادن وظيفه ترك كردن عمل مى باشد ؟

ج ٨٦ - اگر احتمال مرگ وضرر أهم در بين نباشد بايك درصد احتمال بهبودى هم عمل جائز است و اگر احتمال مرگ در بين باشد در صورتيكه احتمال عقلائى باشد عمل جايز نيست . والله العالم

س ٨٧ – به بيمارى كه به ناراحتى هاى روانى شديدى دچار است و جهت معالجه به پزشك مراجعه مى نمايند پزشك هم احتمال خوب شدن وى را منحصراً در اقدام به عمل جراحى مى داند و در صورت عمل كردن هم احتمال مى دهد حيات مغز اين بيمار از بين برود و براى هميشه بيمار فلج و يا به حال اغما در آمده آيا در اين صورت طبيب مى تواند دست به عمل جراحى بزند ، تكليف چيست ؟

ج ٨٧ - بطور كلّى ملاك در جواز وعدم جواز عمل عرفيت معالجه و عقلائى بودن عمل و قابل اعتناء نبودن احتمال خطر است ولى بيمار روانى اگر مجنون باشد بايد با اجازه قيّم و ولىّ امر شرعى اقدام شود . والله العالم

# مسائل مربوط به ضمان طبيب

س ٨٨ - شخصى كه در اثر آسيب مغزى درك و شعور و شنوايى و بينايى و حس خود را از دست داده فقط قلب او مى زند و حركت مى كند به فرمائيد :

١ : چنين شخصى آيا از نظر احكام اسلام زنده است يا خير ؟

٢ : آيا كسى اين شخص را در اين شرايط بكشد بايد ديه كامل بپردازد ؟

٣ : اگر برداشتن عضوى از اعضاى وى در حال و شرايطى كه جايز باشد منوط به پس ازمرگ وى باشد در چنين وضعى مى توان اقدام به عضو بردارى از او نمود ؟

٤ : در صورتى كه با صرف هزينه هاى بسيار سنگين چنين بيمارى را بتوان براى مدتى زنده نگاهداشت آيا انجام اين كار واجب است ؟

٥ : در صورت واجب بودن ، تا چه مقدار از اموال وى را بايد صرف اين كار نمود و آيـا اجـازه وارث اين شخص شرط است يا جز در صورت داشتن وارث صغار چه بايد كرد ؟

٦ : در صورتـى كـه امـوال اين بيمـار بـراى چنين هزينـه اى كافـى نباشـد چـه بايـد نمود ؟

٧ : آيا مى توان اين بيمار را به همان حال باقى نهاد تا قلب او هم از كار بيفتد ؟

ج ٨٨ - بطور كلّى ميزان در حكم به مرگ وترتّب احكام موت و ميّت بر شخص دائر مدار زهاق (خارج شدن) روح و حكم عرف به زهاق روح و مرگ او است و مادام كه عرف حكم نمى كند واو را زنده ميگويند تمام احكامى كه بر آن مترتب بود شرعًا مترتب است حتى ديه و قصاص ، بلى اگر بر حسب عرف موت ثابت و مسلّم باشد ولى پزشك احتمال حيات او را بدهد هر عملى كه موجب قتل بشود نسبت به او جايز نيست ولى اگر كسى در اين فرض مرتكب قتل شود حكم بقصاص نميشود و وجوب صرف مال يا عدم وجوب آن نيز دائر مدار حكم عرف به حيات يا موت او است و در مسأله تفاصيل ديگرى نيز هست كه در اين جا به همين مقدار اكتفا مي شود . والله العالم

س ٨٩ - طبيبى حاذق و ماهر بدون سهل انگارى اقدام به عمل جراحى بيمارى نموده و در ضمن عمل آسيبى به بيمار وارد گرديده لطفاً موارد ضمان يا عدم ضمان طبيب را در وجوه ذيل بيان فرماييد :

١ : بدون اذن از بيمار يا كسان وى اقدام به عمل نموده باشد ؟

٢ : غفلت از اذن گرفتن داشته است ؟

٣ : بيمار در حال اغماء بوده و براى اذن دسترسى به كسان بيمار نداشته و تأخير هم موجب به خطر افتادن جان بيمار مى شود ؟

٤ : در مورد فوق اگر تأخير موجب نقص عضو و يا تعطيل شدن عضوى از بيمار گردد حكم چيست ؟

٥ : اگر در موارد فوق بايد ديه به بيمار داده شود آن ديه به عهده كيست ؟

ج ٨٩ - ١ : بدون اذن ديه دارد به شرحى كه در باب ديات مذكور است . والله العالم

٢ : غفلت از اذن گرفتن نيز در حكم عدم اذن است . والله العالم

٣ : در اين صورت اگر آسيبى كه به او رسيده بطور متعارف با عمل انجام شده توأم باشد چيزى بر پزشك نيست . والله العالم

٤ : در اين صورت طبيب ضامن نيست ولى به جهت عدم اقدام به معالجه معصيت كرده است . والله العالم

٥ : در اين موارد ديه با خود پزشك است . والله العالم

س ٩٠ - در مواردى كه براى معالجه بيمار بايد اذن گرفت تا ضمان متوجه طبيب نشود بفرماييد :

١ : آيا اذن از ولى طفل مميز كافى است يا بايد از طفل هم اذن گرفته شود ؟

٢ : در مورد عمل جراحى روى بيمار مغمى عليه از كدام يك از كسان بيمار بايد اذن گرفت ، آيا ترتيب يا اولويتى در كار است ؟

٣ : در مورد بيمار مغمى عليه يا طفل صغير مصدوم كه مشخص نيست ، آيا ولى دارند يا ندارند و دسترسى به حاكم شرع هم براى اذن نيست و عدول مؤمنين هم حاضر نيستند و معالجه هم فورى بايد انجام شود تكليف چيست ؟

٤ : آيا طبيب مى توان از حاكم شرع اسلام براى كل موارد مشابه فوق قبلاً اذن بگيرد ؟

ج ٩٠ - ١ : اذن از ولىّ كافى است .

٢ : اگر بيمار كبير باشد از حاكم شرعى اذن بگيرد .

٣ و ٤ : بلى از حاكم شرع ومجتهد جامع الشرائط ميتواند اذن بگيرد و بنظر ميرسد بايد متصدّى امور داخلى بيمارستانها از مجتهد جامع الشرائط اذن بگيرند كه در مواردي كه ولى حضور ندارد وتأخير معالجه تا كسب اجازه از او موجب تلف بيمار است رأسًا عمل نمايد . والله العالم

س ٩١ - ١ : اگر به واسطه تشخيص نادرست طبيب حاذق آسيبى به بيمار وارد شود ، آيا بايد ديه پرداخت شود ، اگر بايد ديه داده شود به عهده كيست ؟

٢ : چنانچه در تشخيص سهل انگارى نموده باشد حكم چگونه است ؟

ج ٩٢ - ١ : اگر آسيبى كه به بيمار وارد شده مستند به پزشك شمرده شود و پزشك از بيمار برائت خود را نگرفته باشد ديه به آن متعلّق مي گيرد . والله العالم

٢ : با سهل انگارى واستناد آسيب به پزشك ، پزشك مسئول است . والله العالم

س ٩٣ - سهل انگارى طبيب در عمل جراحى موجب آسيب وارد شدن به بيمار گشته بفرماييد :

١ : آيا طبيب ضامن پرداخت ديه است ؟

٢ : اگر نياز به عمل جراحى و درمان بعدى براى بيمار پيدا شود به واسطه سهل انگارى در عمل جراحى قلبى آيا طبيب سهل انگار بايد هزينه آنها را بپردازد يا همان ديه كافى مى باشد ؟

٣ : اگر سهل انگارى طبيب منجر به فوت بيمار شود قتل ، چگونه قتلى خواهد بود ؟

ج ٩٤ - ١ : در فرض سؤال طبيب ضامن است . والله العالم

٢ : بيشتـر از ديـه چيزى تعلّق نمى گيرد و هزينه بعدى بعهده طبيب نيست . والله العالم

٣ : ظاهراً قتل شبه عمد است . والله العالم

س ٩٥ - ١ : اگر طبيب حاذق اشتباهًا دستور داروى عوضى را براى بيمار به پرستار بدهد و پرستار هم دارو را به بيمار داده و بيمار آسيب ديده بفرمائيد :

آيا ضمانى بايد پرداخت شود ، در صورتى كه بايد داده شود به عهده كيست ؟

٢ : در صورت سهل انگارى نسبت به مورد فوق حكم چيست ؟

ج ٩٥ - ١ : در فرض سؤال ، پرستار ضمانى ندارد و حكم پزشك در اين مسئله مانند مسئله ٩١ است . والله العالم

٢ : سهل انگارى ومسامحه موجب مسئوليّت است . والله العالم

س ٩٦ - اگر طبيب حاذق نسخه را غلط نوشت با توجه به اين كه شيوه معالجه و درمان همين گونه مى باشد و نسخه را نوشته و به بيمار مى دهند و او دارو را تهيه و استفاده مى كند و در نتيجه صدمه اى به بيمار وارد شد به فرماييد ؟

١ : آيا بايد ديه اى پرداخت شود ؟

٢ : ديه به عهده كيست كه بپردازد ؟

٣ : در صورت حاذق نبودن طبيب حكم چيست و ديه به عهده كيست ؟

٤ : در صورت سهل انگارى چه تكليفى متوجه طبيب مى باشد ؟

ج ٩٦ - در صورت حاذق نبودن طبيب و يا سهل انگارى وى ديه دارد و بر عهده طبيب است بلى اگر سهل انگارى نكرده و حاذق هم بوده و قبلاً هم از بيمار برائت خود را از مسئوليّت گرفته باشد ضامن نيست . والله العالم

س ٩٧ - آمپولى به بيمارى تزريق شده و بيمار به واسطه آن فوت مى كند بفرماييد : در مورد ضمان يا عدم ضمان و فردى كه بايد ديه بپردازد در وجوه ذيل حكم چگونه است ؟

١ : تزريق آمپول توسط شخص آشنا به آمپول و آشنا به تزريق صورت گرفته و در تزريق اشتباه كرده ؟

٢ : آمپول توسط شخص غير آشنا به آمپول و تزريق ، تزريق گرديده ؟

٣ : تزريق توسط طبيب حاذق بوده وليكن سهل انگارى در كار بوده است ؟

ج ٩٧ - در هر سه فرض ديه دارد وديه بر مباشر است . والله العالم

س ٩٨ - نسبت به شخصى كه به گونه اى مى خواهد اقدام به خودكشى نمايد بفرماييد :

١ : آيا جلوگيرى از خودكشى وى بر ديگران واجب است ؟

٢ : اگر ممانعت از خودكشى آن شخص ، مستلزم مخارجى باشد آن مخارج را چه كسى و تا چه مقدارى بايد پرداخت نمايد ؟

٣ : اگر باز دارى شخص فوق از خود كشى ، مستلزم استقبال از خطر جانى يا به خطر افتادن سلامت شخص نجات دهنده باشد تا چه اندازه بايد از اين خطر استقبال نمايد ؟

٤ : آيا در نجات جان چنين فردى ، فرقى بين مسلمان و يا كافر حربى و يا كافر غير حربى كه مى خواهد خودكشى نمايد وجود دارد ، اگر هست احكام آن را بفرماييد ؟

٥ : آيا براى ممانعت از خود كشى آن شخص رضايت يا عدم رضايت وى - براى نجات - مدخلّيت در تكليف نجات دهنده دارد يا خير؟

٦ : در صورت عدم رضايت براى نجات جان خود اگر كسى اقدامى در جهت نجات جان وى انجام داد كه در ضمن آسيبى هم به شخص خودكشى كننده وارد شد آيا منجى ضامن است ؟

ج ٩٨ - ١ : بلى واجب است .

٢ : حكم مخارج نهى از منكر را دارد كه وجوب ندارد.

٣ : تحملّ خسارت بدنى و مالى واجب نيست .

٤ : امّا در كافر حربى ممانعت وجوب ندارد و در غير حربى به مقدار نهى از منكر بدون تحملّ ضرر مالى اكتفاء جايز است مگر اينكه ضرر مالى كم كه معتنى به نيست باشد

٥ : رضايت او مدخليت ندارد .

٦ : ضامن نيست ، خداوند در قرآن كريم مى فرمايد (ما عَلَى المُحْسِنِيْنَ مِنْ سَبِيْل ) والله العالم

س ٩٩ - بيمار روانى كه هر زمان احتمال دارد دست به آدم كشى بزند در صورتى كه بيمارى ديگرى هم پيدا كرد به فرمائيد :

١ : جايز است براى اين كه جان افرادى توسط وى به خطر نيافتد از درمان بيمارى جديد او اعراض نموده و او را مورد معالجه قرار نداد ؟

٢ : آيا بيمار فوق را جايز است يا واجب ، كه پزشك به مقامات پليس معرفى نموده تا او را بنوعى از مردم دور نگهدارى نمايند كه جانى در معرض خطر قرار نگيرد ؟

ج ٩٩ - ١ : بايد او را معالجه كرد كه تلف نشود . والله العالم

٢ : بلى اگر صدمه غير مشروع به او نمى زنند لازم است اطلاع دهد . والله العالم

# مسائل مربوط به نازائى

س ١٠٠ - پزشكى كه در استخدام دولت مى باشد بفرماييد :

١ : اگر از طرف دولت موظف شد براى كنترل مواليد مردان و زنان را عقيم سازد چه تكليفى دارد ؟

٢ : اگر طبيب را براى انجام اين كارها مجبور نمودند در چه مرحله اى از اجبار چنين اقدامى براى وى معصيت محسوب نمى گردد ؟

٣ : آيا در مورد اجبار ضمانى هم به عهده طبيب خواهد آمد ؟

ج ١٠٠ - ١ : جائز نيست كسى را عقيم سازد .

٢ : در صورتى كه طبيب در معرض خطر جانى باشد . والله العالم

٣ : اجبار در اينگونه موارد ، اجبار عرفى ومسامحى است و موجب رفع تكليف و رفع ضمان نمي شود . والله العالم

# مسائل مربوط به حفظ جان

س ١٠١ - ١ : آيا دروغ گفتن براى حفظ جان مسلمانى جايز است ؟

٢ : دروغ گفتن جهت حفظ جان كافر ذّمى چه صورت دارد ؟

٣ : در جايى كه انسان مى تواند با دروغ گفتن و به خطر انداختن جان خود و يا شخص ديگر ، موجب نجات جان چند مسلمان بشود تكليف وى را در اين مورد بيان فرماييد : كه آيا جايز است اين كار ، و در صورت به خطر افتادن جان آن شخص ديگر (با دروغ اين انسان) و تلف شدن ، ديه به عهده كيست ؟

ج ١٠١ - دروغ گـفتن بـراى حـفظ نـفس مـحترمه حـتى اهـل ذمّـه و بعض مصالح ديگر جائز است و گفتن راستى كه سبب فتنه و فساد شود جائز نيست ولى حفظ جان شخص يا اشخاص به وسيله به خطر انداختن جان خود يا شخص ديگر واجب نيست بلكه جائز نيست . والله العالم

س ١٠٢ - در عالم پزشكى متداول شده كه روى موجودات بسيار ريز ژن ها درون سلول هاى بدن انسان و غير انسان اقداماتى انجام مى دهند كه گفته مى شود موجب پيدايش تغييراتى در ساختمان روانى انسان ها و يا تغييرات جسمى انسان ها و غير انسان ها مى گردد بفرمائيد :

١ : آيا نفس اين عمل دست كارى كردن ژن ها جائز است ؟

٢ : در صورتى كه اين اقدام به منظور درمان صورت نگيرد وليكن در جهت دست يابى به برترى هاى جسمى و يا روانى و پيشرفت علم پزشكى بوده باشد آيا جائز است چنين اقداماتى انجام گيرد ؟

٣ : اگر اقدام فوق روى نطفه يا جنين انجام شود حكم چگونه خواهد بود ؟

ج ١٠٢ - ١ : در حيوانات اگر موجب اذيّت آنها نشود جواز بعيد نيست و در انسان در صورتيكه موجب تغيير نوعى او بشود جائز نيست و در تغيير شخصى و شخصيات اگر موجب كمال بيشتر جسمى يا روحى او شود جايز است . و اگر موجب عيب و نقص جسمى يا روحى شود جايز نيست والله العالم

٢ : در صورتيكه در انسان موجب تغيير نوعى يا عيب ونقص روحى وحسى نشود جائز است . والله العالم

٣ : از جواب سؤال اوّل جواب معلوم مي شود و مع ذلك بطور كلّى بايد در اينگونه موارد رعايت احتياط كامل بشود . والله العالم

س ١٠٣ - ١ : آيا براى نجات جان يك مسلمان انسان مى تواند عضوى از اعضاء خود را به او هديه كند ، بدون اين كه هيچ خطر جانى متوجه انسان عضو دهنده بوده باشد ؟

٢ : آيا دهنده عضو مى تواند پولى در عوض دريافت نمايد ؟

٣ : اگر احتمال آسيب و خطر كمتر از مرگ براى دهنده عضو در كار باشد آيا اين اقدام جائز است در صورتى كه با اين كار مسلمانى را از مرگ نجات بدهد ؟

ج ١٠٣ - ١ : اگر مسلم باشد كه حفظ جان در توقف بر اهداء چنين عضوى دارد جواز بعيد نيست . والله العالم

٢ : خريد و فروش آن چون ملك فروشنده نيست صحيح نيست . والله العالم

٣ : محلّ اشكال است و به هر حال واجب نيست . والله العالم

# مسائل متفرقه

س ١٠٤ - در افرادى كه مبتلا به آسم و يا بيمارى هاى مشابه مى باشند به وسيله يك دستگاه ، مقدارى از داروى مايع كه نقش غذايى ندارد به صورت پودر - گاز - از راه دهان به ريه ها پاشيده مى شود و باعث بهبودى موقتى اين بيمارى - بعضاً - بسيار سخـت مـى گردد ، در صورت استفاده از اين روش ، آيا روزه شخص باطل نمى گردد ؟

ج ١٠٤ - اگر صدق خوردن يا آشاميدن نكند روزه را باطل نمي نمايد . والله العالم

س ١٠٥ - در برخى بيمارى ها مثل نارسايى كليه با اطمينان ، مى توان به بيمار توصيه نمود كه روزه نگيرد اما در خيلى از موارد به علت شكى كه در اصل بيمارى و يا چگونگى تأثير روزه بر آن وجود دارد يا به علت عدم وجود تحقيقات و نتايج لازم در مورد اثرات روزه بر بسيارى بيمارى ها و كلاًّ به خاطر عدم امكان تعيين نقش روزه بر بيمارى پزشك واقعاً نمى داند، روزه رابه بيمارتوصيه بكندياخير،دراين صورتوظيفه پزشك چيست؟ آيا پزشك در صورت توصيه يا عدم توصيه به روزه، مسئول نيست؟

ج ١٠٥ - پزشك اگر احتمال ضرر ميدهد ميتواند به بيمار بگويد روزه احتمالاً براى او ضرر دارد اگر چه واقعاً براى او ضرر نداشته باشد اما جواز افطار روزه و عدم آن براى بيمار دائر مدار اين استكه بيمار خودش خوف عقلائى از ضرر داشته باشد يا نداشته باشد و به پزشك ارتباطى پيدا نميكند ودر مقام معالجه بيان اين احتمال مانعى ندارد . والله العالم

س ١٠٦ - آيا تزريق آمپول هايى كه جهت بى حسى ، كاهش درد ، كشتار ميكروب ها و بكار مى روند در صورتى كه كلاًّ هيچ خاصيتى در جهت رساندن ويتامين يا مواد غذايى به بدن نداشته باشند ، مبطل روزه مى باشد ؟

ج ١٠٦ - موجب بطلان روزه نمى شود . والله العالم

س ١٠٧ - آيا خوردن داروهاى خوراكى كه هيچ جنبه غذايى نداشته باشند و جهت تسكين آلام بيمارى بكار مى روند مبطل روزه مى باشد ؟

ج ١٠٧ - موجب بطلان است . والله العالم

س ١٠٨ - آيا بردن وسايل غير خوراكى مثل وسايل دندانپزشكى در دهان ، باعث ابطال روزه مى شود ؟

ج ١٠٨ - باعث ابطال روزه نمى شود . والله العالم

س ١٠٩ - آيا الكلى كه جهت ضد عفونى ، بعد از تزريقات ، بكار برده مى شود نجس است ؟

ج ١٠٩ - اگر از مسكر مايع بالاصالة اخذ شده باشد نجس است و با شك ، حكم به نجاست آن نميشود . والله العالم

س ١١٠ - در بعضى از بيمارستان ها دانشجو به اين كه دوره آشنائى با كارهاى طبابت را عملاً مى گذرانند مى خواهند كه از بيماران مراجعه كننده معاينه بعمل آورند و قصد شان هم تعليم امور درمانى مى باشد بفرمائيد :

١ : در صورت عدم رضايت بيماران مى توان آنان را به معاينه نوعى مجبور نمود مانند اين كه پزشك معالج اصلى بگويد اگر از معاينه دانشجويان ممانعت بنمائى من تو را معالجه و درمان نخواهم نمود ؟

٢ : اگر اقدام فوق درمورد ضرورت تعليم بدون اشكال است مورد ضرورت را توضيح فرمائيد :

ج ١١٠ - ١ : اگـر بـرنـامـه پـذيـرفـتن بـیمار در بيـمارسـتان بـه ايـن صـورت بـاشـد كـه بيمـار مـقرّرات داخـلى بيمـارستـان را بـايد بپـذيـرد ظاهـر اين است كه هر كـس به بيمـارستـان مـراجعه مـى كـند ايـن مقـررات را پـذيـرفته اسـت و بـديهى اسـت بيمـار نميـتوانـد بـراى معـالـجه خـود و تـرتـيب اداره بيمارستان و عمل كرد پزشكان بيمارستان را ملزم به قبول برنامه اى كه او ميدهد

بنمايد لذا باعدم رضايت فقط ميتواند بيمارستان را ترك نمايد و اگر بيمارى او خطرناك و غير قابل علاج در بيمارستان ديگر باشـد واجـب اسـت بـا قـبول مـقرّرات بيمارستان موافقت نمايد .

بلى در صورتى كه معاينه مستلزم فعل محرمى باشد و ضرورتى در بين نباشد مريض بايد امتناع نمايد و بر او هم نبايد تحميل شود .والله العالم

ج ١١٠ - ٢ : اگر تعليم و تعلّمى كه حفظ نفوس بطور مسلّم برآن توقّف داشته باشد متوقف بر معاينه باشد بر بيمار و دانشجو هر دو واجب است ، بر بيمار واجب است چون وجوب كفائى دارد خود را در معرض انجام اين برنامه قرار دهد چنانچه بر دانشجو نيز تعلّم واجب است ، امّا توقف اين تعليم و تعلّم در همه موارد بر معاينه يا ارتكاب حرام لا اقلّ بطور مطلق وجود ندارد لذا بايد به مواردي كه بطور مسلم اين توقّف وجود دارد اكتفا شود . والله العالم

س ١١١ - آيا طبيب مى تواند قبل از اقدام به معالجه و درمان بيمار نسبت به كل اقدامات لازم در جهت معالجه وى بنابر تشخيص خود اجازه كلّى بگيرد ؟

ج ١١١ - بلـى هـم طبيب و هم متصدّى بيمارستان مى تواند اجازه بگيرد . والله العالم

س ١١٢ - دانشجويان پزشكى در طىّ مراحل تعلّم عملى مواجه مى شوند كه بدن و سر و روى مسلمان غير مماثل را ديده و گاه هم از اندام تناسلى آنان معاينه به عمل آوردند ، كه اگر به اين شيوه آشنائى لازم را در امور طبابت پيدا نكنند نمى توانند پزشك شوند و ناچار بايد دست از كار طبابت بردارند و ترك تحصيل نمايند ، با توجهّه به اين كه اگر مهارت و تجربه كارى لازم را با اين شيوه ها پيدا به نمايند مى توانند در آينده به كار مداوا و درمان بيماران جامعه پرداخته و آنان را معالجه نموده و در اوقاتى هم آنان را از مرگ نجات دهند بفرمائيد :

١ : آيا ميتوانند به مقدار ضرورت جهت تعليم نظر نمايند لطفًا مورد ضرورت را توضيح دهيد؟

٢ : در صورتى كه مورد ضرورت بلا اشكال باشد آيا رضايت بيمارى كه از وى معاينه به عمل مى آيد شرط است كه چنانچه به اين كار راضى نباشد اقدام به آن ، حرام مى باشد؟

ج ١١٢ - ١ : بمقدارى كه بحسب عرف حفظ نفوس توقف بر اين امور دارد جايز است و بر بيمار هم جائز است كه خود را در صورت توقف مذكور در معرض انجام اين برنامه قرار دهد . والله العالم .

٢ : با توقف ، رضايت او شرط نيست ولى اگر بر او واجب باشد كه در معرض اين برنامه قرار گيرد وجوب كفائى است اجبار او فقط بعنوان شروط معالجه جايز است . والله العالم

س ١١٣ - آيا طبيب مى تواند ضمن انعقاد قرار معالجه با بيمار سلب هر گونه مسئوليت شرعى از خود نسبت به آسيب هاى احتمالى كه در ضمن معالجه ممكن است پيش بيايد بنمايد تا هيچ گونه ضمانى به عهده وى يا عاقله وى نباشد ؟

ج ١١٣ - بلـى طبيـب مى توانـد سلـب مسئوليت از خود نمايد و با قبول بيمـار مسئوليّت نخواهد داشت مگر آنكه دقّت لازم در معالجه ننمايد . والله العالم

س ١١٤ - اگر از طرف قاضى ، زنى را جهت معاينه و تشخيص نطفه اى كه وى در رحم دارد به نزد پزشك قانونى فرستادند ، در صورتى كه طبيب به طور قطع توانست تشخيص دهد كه نطفه متعلق به شوهر اين زن نبوده بلكه از مرد اجنبى باشد ؟ در اين حال اگر طبيب واقعيت را گزارش دهد يقين دارد اين زن را بناحق اقوام وى خواهند كشت و اگر خلاف گزارش كند بچه ملحق به شوهر اين زن مى گردد و مسائل حقوقى وارث و مَحْرَميّت و ساير مشكلات ديگر پيش خواهد آمد بفرماييد : طبيب كه راهى جز انتخاب يكى از اين دو را ندارد چه سازد ؟

ج ١١٤ - ايـن گونـه بررسـى اعتبار شرعى ندارد و ارجاع قاضى صحيح نيست و اگر چه قطع طبيب براى خودش و هركس از قول او قطع پيدا كند حجّت است لكن موجب جواز استناد زنا به شخص مذكور نمى شود . والله العالم

س ١١٥ - نسبت به كسى كه اعتصاب غذا نموده و جان خود را به خطر انداخته يا لا اقل سلامتى خود را دچار مخاطره كرده و تنها با تغذيه اجبارى توسط پزشك مى تواند او را از خطر جانى حفظ نمايد بفرمائيد :

١ : آيا اين كار براى پزشك واجب است يا مى تواند اقدامى نداشته باشد ؟

٢ : اگر تغذيه واجب باشد ، و راه آن منحصر به ضرب و شتم اعتصاب كننده باشد براى نجات دادن وى انسان چه مقدار مجاز به ضرب و شتم او مى باشد ؟

٣ : آيا ضرب و شتم چنين كسى كه موجب تغيير رنگ پوست وى هم مى گردد و مستلزم ديه مى باشد ، اگر هست به عهده كيست ؟

٤ : آيا حكم فوق نسبت به اعتصاب كننده اى كه مى داند با اعتصاب غذا خود را به پاى مرگ مى كشاند با ديگرى كه از عواقب كارش بى خبر است فرق مى كند اگر فرق دارد وظيفه طبيب را در مورد او هم بيان فرماييد ؟

٥ : اگر پزشك را مجبور به تغذيه اجبارى نسبت به اعتصاب كننده غذا بنمايند نه به جهت حفظ جان اعتصاب كننده بلكه براى اقرار گرفتن از وى نسبت به امرى ، پزشك چه تكليفى در اين صورت دارد ؟

ج ١١٥ - ١ : تغذيه اجبارى او واجب است . والله العالم

٢ : به هر مقدارى كه او را مجبور به خوردن غذا نمايد ولى بايد با اذن مجتهد جامع الشرائط انجام شود مگر آنكه فرصت براى مراجعه نباشد . بلى اگر اعتصاب غذا براى احقاق حق باشد يا براى حفظ مصالح عاليه اسلامى انجام شده باشد مسئله بحسب موارد حكم ديگر دارد . والله العالم

٣ : با اذن مجتهد ديه ندارد . والله العالم

٤ : اگر اعتصاب براى او خطر مرگ دارد فرق نمى كند كه خودش بداند يا نداند . والله العالم

٥ : نبايد اطاعت كند . والله العالم

س ١١٦ - اگر دو مصدوم را براى پزشكى جهت معالجه بياورند كه هر دو آنان در شرايط خطر جانى قرار دارند ، در صورتى كه يكى از آن دو مصدوم عضو خانواده اى باشد كه اين پزشك طبيب خانوادگى آنان مى باشد و اقدام پزشك براى معالجه هر يك از آن دو مستلزم رها ساختن مصدوم ديگر مى باشد كه در نتيجه آن مصدوم ديگر خواهد مرد ، بفرمائيد : در اينجا وظيفه طبيب پرداختن به معالجه كداميك از اين دو مصدوم است ؟

١ : با توجه به اين كه طبيب هيچ گونه تعهد شرعى نسبت به معالجه اعضاى خانواده مصدومى كه وى پزشك آنان است نداده باشد ؟

٢ : در صورتى كه تعهد شرعى نسبت به معالجه اعضاء خانواده يكى از آن دو داشته باشد حكم چگونه است ؟

٣ : در صورتى كه مصدوم و مجروحی كه وى پزشك خانوادگى آنان مى باشد حالش بسيار .سخت ولى احتمال خطر مرگ براى وى كمتر است تا مصدوم ديگر در اين صورت وظيفه طبيب چيست ؟

ج ١١٦ - اگر هر دو مسلمان باشند مانند دو غريق است كه شخص برنجات هر دو قادر نيست از اين جهت اختيار با خود اوست و اگر شخصى را كه طبيب خانوادگى آنهاست مقدم بدارد اشكال ندارد .

٢ : در اين صورت لازم است به تعهّد خود عمل نمايد

٣ : در اين صورت بايد معالجه بيمارى را كه براى او خطر مرگ بيشتراست مقدّم بدارد . والله العالم

س ١١٧ - اگر بيمارى به پزشك مراجعه نمود و پزشك هم درمعاينات وى به سرّى از بيمار مطلع شد كه در صورت كتمان نمودن ، نفع بيمار و كسان وى در آن لحاظ مى گردد ، و بيمار هم خواهان مكتوم ماندن آن عيب و بيمارى پنهان باشد . ولى اگر طبيب به اطلاع مسئولين مملكتى و حكومتى برساند نفع و مصلحت جامعه در آن وجود داشت اينجا طبيب چه تكليفى دارد ؟

ج ١١٧ - البته پزشك بايد امين و رازدار باشد و در نهايت امانت عمل نمايد مع ذلك اگر اتفاقاً بر امرى مطّلع شد كه مفسده عدم اطلاع مسئولين شرعاً اهم از مصلحت بيمار باشد اطلاع دادن جائز است . والله العالم

س ١١٦ - شخصى سرطان دارد و طبيب مى داند هر گونه اقدام در جهت معالجه او بى فايده است كه اگر به بيمار و كسان وى اطلاع دهد گرچه ضربه روحى و صدمات روانى به آنان وارد مى شود اما هزينه فراوانى هم براى معالجه صرف نمى كنند و طبيب هم مورد شكايت نسبت به كتمان بيمارى قرار نمى گيرد و اگر اطلاع ندهد اموال فراوانى خرج معالجه مى كنند كه بى فائده خواهد بود و طبيب هم مورد اعتراض واقع مى شود بفرماييد :

با توجه به اصرارى كه بيمار و كسانش درمورد دانستن واقعيت دارند تكليف طبيب چيست ؟

ج ١١٦ - در اينصورت گفتن واقعيت جائز است . والله العالم

س ١١٧ - جوانى جهت ازدواج براى آزمايش به پزشك مراجعه مى كند كه پزشك وى را دچار بيمارى مُسرى مى يابد و يا متوجه مى شود كه او معتاد است و در اينجا اگر پزشك واقعيت را براى ديگران كه منتظر نتيجه آزمايش مى باشند بگويد ، پرده از روى راز پنهان بيمار برداشته كه قطعاً طبيب مى داند براى بيمار تبعات سوئى بدنبال خواهد داشت و اگر نگويد همسر آينده وى دچار بيمارى مُسرى مى شود و گرفتارى هايى پيدا مى نمايد و براى طبيب هم دچار درد سر ممكن است بشود بفرماييد تكليف طبيب چيست ؟

ج ١١٧ - اگر زن يا كسان زنى كه مى خواهد با او ازدواج نمايد به پزشك مراجعه و با او مشورت مى نمايد بايد به آنها بگويد و امانت در مشورت را رعايت نمايد و الاّ اطلاع ابتدائى به آنها لازم نمى باشد ولى دادن گواهى صحت مزاج (برخلاف واقع) جائز نيست . والله العالم

س ١١٨ - مبلغى پول در اختيار است كه آن را مى توان يا صرف مداواى يك بيمار قلبى نمود ويا صرف ١٠ بيمار ديگر كه به امراض ديگرى مبتلا هستند حال اگر بيمار قلبى را مداوا ننماييم خواهد مرد و اگر مداواى بيماران ديگر را رها سازيم دچار رنج هاى شديد و موجب پيشرفته تر شدن بيمارى آنان مى گردد و راهى هم براى مداواى هيچ يك از بيماران فوق الذكر جز از طريق خرج كردن اين مبلغ پول وجود ندارد ، در اين صورت تكليف طبيب انتخاب كدام طرف مى باشد ؟

ج ١١٨ - واضح است پزشك و هر شخص ديگرى بايد طرفى را كه موجب نجات نفس محترمه از هلاكت مى شود انتخاب نمايد . والله العالم

س ١١٩ - اگر پزشكى خطرناك بودن بيمارى بيمار و نااميد بودنش را از حيات بيمار ، به وى بگويد موجب نگرانى شديد روحى بيمار و كسان وى را فراهم مى نمايد ، ولى از طرف ديگر براى گرفتن اذن از بيمار و كسان وى در صورت نياز به عمل جراحى گفتن آن لازم است و چه بسا موجب مى شود بيمار وصيت نمايد و يا امانات مردم را به آنان رد نمايد و كسب حليّت كند و هم چنين پزشك هم مورد اعتراض بعدى بازماندگان بيمار نسبت به عدم اخبار به آنان در مورد خطرناك بودن بيمارى قرار نمى گيرد و چنانچه خطرناك بودن بيمارى را اطلاع ندهد ، صدمه روحى و فكرى به بيمار وارد نمى شود - هر چند تأثيرى هم در جهت بهبودى مريض ندارد - ولى از طرف ديگر ممكن است به خاطر وصيت نكردن حقوق افرادى از بين برود و پزشك هم مورد اعتراض گروهى از جهت عدم اطلاع واقع نمى گردد ، بفرمائيد اگر راه منحصر به گفتن صريح خطرناك بودن بيمار و يا نگفتن باشد طبيب چه بايد بكند ؟

ج ١١٩ - اگر سبب شدت عارضه بيمار و توجه خطر جانى به بيمار نمى شود جايز است . والله العالم

فهرست مطالب